

اصول تعاون در قرن بیست و یکم

بیانیه اتحادیه بین‌المللی تعاون در باب «هویت تعاونی»

نقل از :
بولتن اتحادیه بین‌المللی تعاون
مترجم : طاهره اکبری

مستقلی هستند که با نظارت اعضاء اداره می‌شوند و در صورت انعقاد هرگونه قرارداد با سایر سازمانها من جمله سازمانهای دولتی و یا افزایش سرمایه از منابع خارجی، کماکان اصل نظارت مردمی اعضاء باید برقرار و خودگرانی شرکت تعاونی محفوظ باشد.

اصل پنجم: آموزش، پرورش و اطلاع‌رسانی

شرکتهای تعاونی زمینه آموزش و پرورش اعضاء، نمایندگان منتخب، مدیران و کارکنان را به نحوی فراهم می‌نمایند تا آنان به طور کارآمد در توسعه تعاونیهای خود مشارکت نمایند. تعاونیها مردم را به طور اعم و جوانان و صاحب‌نظران را به طور اخص درباره ماهیت و فواید تعاون آگاه می‌سازند.

اصل ششم: تعاون در تعاونیها

تعاونیها ضمن ارائه خدمات موثر به اعضاء خود، در قالب فعالیتهای عمرانی، محلی، ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی، در جهت تقویت جنبش تعاونی با یکدیگر همکاری می‌نمایند.

اصل هفتم: توجه به مسائل جامعه

تعاونیها ضمن توجه به نیازها و خواستههای اعضاء، در مسیر توسعه پایدار جوامع گام برمی‌دارند.

پیشینه بیانیه اتحادیه بین‌المللی تعاون در باب هویت تعاونی

۱- مقدمه

۱- اتحادیه بین‌المللی تعاون در همایش سپتامبر ۱۹۹۵ در منچستر بیانیه‌ای در خصوص «هویت تعاونی» صادر نمود. این بیانیه حاوی تعریفی از شرکتهای تعاونی، فهرستی از ارزشهای کلیدی نهضت تعاون و مجموعه بازبینی شده‌ای از اصول تعاون به

تعاونیها سازمانهایی مردمی هستند که اعضاء با حضور و مشارکت فعال خود در سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیریها بر آنها نظارت دارند. نمایندگان منتخب اعضاء (اعم از زن و مرد) در برابر اعضاء مسئول می‌باشند.

- در شرکتهای تعاونی اعضاء دارای حق رای مساوی بوده (یک عضو یک رای) (۱) و سازمانهای تعاونی در سطوح دیگر (اتحادیه‌ها و فدراسیون‌های تعاونی) نیز به شیوه مردمی اداره می‌شوند.

اصل سوم: مشارکت اقتصادی اعضاء

اعضاء در تامین سرمایه و نظارت مردمی تعاونی خود از حقوق یکسانی برخوردارند. یکی از شرایط عضویت، دریافت سود محدود و سرمایه می‌باشد. اعضاء می‌توانند مازاد سود را برای یک یا تمام مقاصد زیر اختصاص دهند:

- توسعه فعالیت شرکت تعاونی خود
- بهره‌مندی اعضاء از سود حاصله به نسبت میزان معاملات آنان با شرکت
- و حمایت از سایر فعالیتهای مورد قبول اعضاء

اصل چهارم: خودگردانی و استقلال شرکتهای تعاونی سازمانهای خودگران و

تعریف

شرکت تعاونی، شرکتی مستقل و متشکل از افرادی است که به طور داوطلبانه برای رفع نیازها و خواستههای مشترک اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خود گرد هم می‌آیند تا به شیوه مالکیت مشترک و نظارت مردمی آن را اداره نمایند.

ارزشها

ساختار شرکتهای تعاونی بر ارزشهایی چون خودیاری، دموکراسی، برابری، عدالت و همبستگی بنا شده است. اعضاء تعاونیها به ارزشهای اخلاقی نظیر صداقت، آزاداندیشی، مسئولیت‌پذیری اجتماعی و احترام به رای و نظر دیگران پای بند می‌باشند.

اصول

اصول تعاون رهنمودهایی است که به ارزشهای تعاونی جامعه عمل می‌پوشاند.

اصل اول: عضویت آزاد و داوطلبانه

تعاونیها سازمانهایی هستند که با مشارکت داوطلبانه و آزاد افراد مایل به بهره‌برداری از خدمات و پذیرش مسئولیتهای ناشی از عضویت تعاونیها، به دور از هرگونه تبعیض جنسی، اجتماعی، سیاسی و مذهبی تشکیل می‌شوند.

اصل دوم: کنترل دموکراتیک اعضاء

منظور هدایت و راهنمایی سازمانهای تعاونی در آغاز قرن بیست و یکم بود.

۲- این مقاله به شرح مفاد مطرح شده در بیانیه و روشنگری مباحث اصلی، به ویژه در بخش اصلاح اصول، می‌پردازد.

۳- اتحادیه بین‌المللی تعاون از بدو تاسیس خود در سال ۱۸۹۵ مرجع اصلی تعیین‌کننده خط‌مشی و تبیین‌کننده اصول اساسی تعاونها بود. این اتحادیه دو اعلامیه رسمی درباره اصول تعاونی به سالهای ۱۹۳۷ و ۱۹۶۶ صادر کرد. در اعلامیه صادره به سال ۱۹۹۵ همانند گذشته اصول اعلام شده، بار دیگر بازنویسی شد و سعی بر آن است در این بازنویسی اصول تعاونی منطبق با عصر حاضر تفسیر و تشریح گردد.

۴- بررسی ادواری اصول تعاونی، خود یکی از عوامل استحکام بخشی به جنبش تعاون است. این بازبینی‌ها چگونگی کاربرد اندیشه تعاونی در این دنیای متحول را شرح داده و به نحوه سازماندهی تعاونها به منظور مقابله با چالش‌های جدید اشاره می‌نماید. این اصول همچنین تعاونگران سراسر دنیا را در بازجست اهداف اولیه جنبش یاری می‌رسانند.

۵- جنبش تعاون در طول تاریخچه خود، پیوسته دستخوش تغییر و تحول بوده و در آینده نیز همچنان با چنین تغییراتی روبرو خواهد بود. در هر حال، جنبش تعاون در لوای این تغییرات، احترامی بنیادین برای تمام ابناء بشر و ساور توانمندی انسانها در توسعه اقتصادی و اجتماعی خود از طریق خودیاری دو جانبه قائل است. به علاوه جنبش تعاون بر این باور است که گزینش شیوه دمکراتیک برای مسائل اقتصادی قابل اجرا، مطلوب و کارآمد است. سازمانهای اقتصادی با انتخاب شیوه مردمی، مشارکت خود را در جهت منافع

مردم سوق می‌دهند. اصول مطرح در بیانیه ۱۹۹۵ براساس این جنبه‌های مهم اخلاقی پایه‌ریزی شده است.

۶- از آنجا که اقسام مختلف تعاونی از منشاء واحدی سرچشمه نگرفته‌اند، تعاونها در سراسر دنیا به اشکال مختلف برای رفع نیازهای متفاوت در جوامع متفاوت پا به عرصه گذاشته‌اند. در حقیقت، یکی از دلایل عمده ارائه این سند درباره هویت تعاونی، انعکاس تفاوت‌های مشهود بین تعاونهای مذکور و تفکیک اصول حاکم بر آنان، بدون در نظر گرفتن نوع و حوزه فعالیت هر یک می‌باشد. به طور خلاصه، بیانیه مزبور اصول مشترکی براساس سنت‌های تعاونهای عمده ارائه می‌دهد تا تمام تعاونها در کنار هم به شیوه موثر از آن بهره جویند.

برای اولین بار در قرن نوزدهم تعاونها به عنوان نهادهایی قانونی و مجزا شناخته شدند. تعاونها اولین موفقیت پایدار خود را در سال‌های دشوار ۱۸۴۰ کسب کردند، در این سالها تعاونها به پنج شکل مختلف کار خود را آغاز کردند.

از نخستین روزهای فعالیت پیشگامان راچدیل تعاونهای مصرف به عنوان یک شرکت مردمی شناخته شدند، تعاونهای کارگری با توان فوق‌العاده‌ای در فرانسه پا به عرصه گذاردند، تعاونهای اعتبار به طور گسترده در آلمان شروع به کار کردند، تعاونهای کشاورزی که از سابقه‌ای طولانی در دانمارک و آلمان برخوردارند، در اواخر قرن حاضر تعاونهای خدماتی از جمله تعاونهای مسکن و درمانی که در گوشه و کنار دنیای صنعتی اروپا به چشم می‌خوردند. نهال این تعاونهای سنتی در اکثر کشورهای اروپایی در قرن نوزدهم، هر چند با میزان موفقیت

متفاوت، شکوفا شدند و در قرن بیستم نیز جنبه جهانی یافتند.

اتحادیه بین‌المللی تعاون در بیانیه سال ۱۹۹۵ درباره هویت تعاونی، رسماً این پنج نوع تعاونی سنتی را بطور یکسان تایید و از آنان استقبال کرد. این بیانیه حیات هر یک از این تعاونهای سنتی را به رسمیت می‌شناسد و جایگاه تک‌تک آنان را اگر چه به شیوه متفاوت در جوامع مختلف و در بین فرهنگهای گوناگون، تصدیق می‌نماید.

۷- به علاوه، هدف این بیانیه ارائه شرایط یکسان اقتصادی، اجتماعی و سیاسی برای تعاونها است. در ضمن بیانیه معترف است که هر گروه جنبش تعاون را به شیوه خاص خود، منفک از دیگران، اقتباس ولی با وفاداری به اصول، تعاونهایی را براساس نیازها، تجربیات و فرهنگ خود تاسیس می‌نمایند.

بیانیه ۱۹۹۵ این تفاوتها را پذیرفته و به آنها ارجح می‌نهد.

۸- ضمناً، بیانیه هویت تعاونی، با ارائه ساختار کلی، اساس عملکرد تعاونها را مشخص می‌نماید. در هر حال هر یک از تعاونها، سنتی یا جدید، نیازها و اولویتهای خاص خود را دارند. در حول و حوش برگزاری همایش یکصدمین سالگرد جنبش تعاون، هر بخش بیانیه‌ای درباره اصول اجرایی تهیه یا در دست تهیه داشت تا مفهوم اصول کلی عملکرد خود را به خصوص در بازتاب شرایط حاضر ارائه نماید.

۹- در پایان، بیانیه بطور ضمنی متذکر شد که در جنبش بین‌المللی تعاون باید فرصت مناسبی برای کمک به همسو کردن سرمایه‌ها در بسین گروههای مردمی اعم از مصرف‌کنندگان کالا و خدمات، پس‌اندازکنندگان، سرمایه‌گذاران یا

تولیدکنندگان و کارگران فراهم شود. بیانیه با طرح یک چارچوب کلی، سعی بر ایجاد شرایط تفاهم، فعالیت مشترک، بسط افق‌های نگرشی در تمام تعاونیها دارد.

دلایل بازنگری اصول تعاونی:

الف: از آنجا که جنبش اتحادیه بین‌المللی تعاون با چالش‌های خاص خود روبرو است، تجزیه و تحلیل هویت تعاونی برای سال ۱۹۹۵ لازم و سودمند خواهد بود.

ب: طی سالهای ۹۵-۱۹۷۰ بازار اقتصادی، ارتباطی گسترده و وسیعی در سراسر جهان ایجاد نمود. موانع موجود در تجارت سنتی و مرسوم در حد قابل توجهی برداشته شد و بسیاری از این تغییرات از جمله تشکیل مناطق آزاد تجاری، کاهش حمایت دولت از بخش کشاورزی و تدوین مجدد قوانین تامین مالی چارچوب اقتصادی را که بیشتر تعاونیها سالهای سال براساس آن عمل می‌نمودند، به مخاطره انداخت. تعاونیها برای موفقیت و در بسیاری موارد برای حفظ بقاء خود باید نحوه مقابله با این تغییرات را بررسی نمایند.

چنین تغییراتی بیانگر آن است که اکثر تعاونیها با شرایط رقابتی شدیدی مواجه هستند. تعاونیها سعی دارند با بهره‌گیری از مزایا و امکانات ارتباطی نوین بدون مغایرت با چرخش سرمایه در سراسر دنیا، سرمایه‌گذاریهایی کاملاً موفق داشته باشند. از نظر اقتصادی، تعاونیها در مقابل شرکتهای فراملیتی قرار می‌گیرند که از سرمایه و امتیازات دولتی و قانونی برخوردارند در حالی که تعاونیها از این امتیازات محروم می‌باشند.

در مبحث روشنگری و ایستاری^(۲)، تعاونیها با رسانه‌های بین‌المللی و موسسات آموزشی روبرو هستند که مدعی برتری

تجاری به شیوه نظارت سرمایه‌گذاران می‌باشند. در این بافت ارزش نظارت مردمی موسسات تجاری به نفع مردم مورد بحث می‌باشد. حقیقت امر این است که تجلیل از تشکیلات اقتصادی به شیوه سرمایه‌داری، اطمینان بسیاری را به تعاونیها، به خصوص در کشورهای آتلانتیک شمالی تحت‌الشعاع قرار داد. برای مقابله با این مسائل، نیاز به تفسیر روشنی از عملکرد بی‌مانند و پرارزش تعاونیها احساس می‌شود.

پ: گرچه کاهش کنترل اقتصاد به شیوه مستمرکز در کشورهای شرقی، نقش تعاونی را زیر سوال برد. اما همین امر موجب گشایش راهی برای حفظ مشارکت تعاونی شد. در صورتی این گشایش به تحقق می‌پیوندد که از نحوه شکل‌گیری جنبش‌های جدید و نوپا، شناخت جامع و روشنی ارائه و آنان را تشویق نمایند.

ت: همزمان با توسعه سریع کشورهای آسیایی و رشد اقتصادی در بخشهایی از آفریقای لایتین و آفریقا، شرایط برای رشد تعاونیها نامساعد شد. البته رهبران تعاونیهای این قاره‌ها نیز ضمن ایجاد بینش جدیدی در مورد تعاونیها، شور و حال تازه‌ای را موجب شدند و نیروی حرکت و شتاب این جوامع را به سوی بازگشت آینده سوق دادند.

این پیشرفت‌ها چشم‌انداز تازه‌ای درباره جنبش بین‌المللی تعاون سببی بر مبارزه با پندارهای سنتی، تفسیر جدیدی از اصول تعاونی ارائه و راه‌حلی بدیع برای حل مشکلات دیرینه جوامع می‌گشاید. به هر حال برای مسلط شدن بر فرصتهای مناسب به منظور تطبیق نقش تعاونی با روند تغییرات سریع جوامع کنونی تفسیر مجدد اصول تعاون ضروری است.

ث: تعاونیها همواره با مسائل بی‌شماری روبرو بوده‌اند، اما عمومی‌ترین آنها، چالش‌های دهه ۱۹۹۰ است، یعنی یکبارگی که در دهه‌های بعد نیز همچنان مطرح بود. از جمله تغییرات اساسی شرایط زیست محیطی که انسانهای سراسر دنیا با آن روبرو می‌باشند، به مواردی چون مشکلات ناشی از افزایش سریع جمعیت، افزایش فشار موجود در محیط زندگی، افزایش تمرکز توان اقتصادی در دست اقلیتی از مردم، بحرانهای متعددی که جوامع مختلف را با فرهنگهای مختلف تحت‌الشعاع قرار می‌دهند. می‌توان به ظهور چرخه فقری عمیق در بخشهای مختلف جهان و اوج گرفتن روزافزون زد و خوردهای نژادی

برای حل قطعی این مسائل نمی‌توان از تعاونیها انتظار داشت به تنهایی دست به اقدام بزنند، اما تعاونیها می‌توانند در مصوبه‌ها و تصمیمات خود بدین مسائل توجه نمایند. تعاونیها قادرند در امر تولید و توزیع مواد غذایی با کیفیت بالا و قیمت مناسب، نقش مثبتی ایفا نمایند. می‌توانند همانند گذشته مسائل زیست محیطی را مدنظر قرار داده و نقش تاریخی خود را در توازن اقتصادی، در گستره‌ای وسیع تر و مناسب تر حفظ نمایند.

امید آن می‌رود که تعاونیها در ارتقاء و توسعه جوامع خود همچنان کوشا باشند و با کمک به مردم، آنان را از فقر رهایی بخشند. انسانها را با فرهنگ، مذهب، عقیده سیاسی متفاوت یکپارچه کنند. تعاونگران، با اتکا بر سنت دیرینه خود یعنی توجه به نیاز اعضا، به دنیا خدمات بیشتری ارائه نمایند.

ج: از این رو بیانیه هویت تعاونی باید از نقطه‌نظر تاریخی، معاصر و آینده مورد توجه قرار گیرد. ادامه مطلب را با در نظر گرفتن این

می‌بردند، حال آنکه سایر تعاونیها برای این منظور از اصطلاح «اشخاص حقوقی» استفاده می‌کردند که در بسیاری از کتب قانون علاوه بر فرد، شرکتها را نیز شامل می‌شود و برای آنان حقوقی مساوی با سایر اعضا در نظر می‌گیرد. به غیر از شرکتهای تعاونی، اعضا دیگر سطوح تعاونی (اتحادیه‌ها) غالباً تعاونیهای دیگر هستند. به هر شکل، این اعضا هستند که باید نحوه برخورد تعاونی با این مسئله را تعیین کنند.

ج: اعضا به شکل داوطلبانه با هم متحد می‌شوند. عضویت در تعاونیها نه تنها اجباری نیست بلکه اعضا در اتخاذ تصمیم به عضویت یا ترک آن مختارند.

د: اعضای تعاونیها در صدد رفع نیازهای مشترک اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خود می‌باشند. در این قسمت از تعریف تعاونی موکداً بر این نکته اشاره می‌شود که تعاونیها توسط اعضا و برای اعضا تشکیل شده‌اند. نیازهای این افراد می‌تواند خاص، محدود، متنوع، اجتماعی، فرهنگی و یا صرفاً اقتصادی باشد. در هر حال پیوستن اعضا به تعاونیها با هر انگیزه و خواسته‌ای که باشد هدف اصلی موجودیت یافتن تعاونی است.

ه: تعاونی شرکتی است با مالکیت مشترک به شیوه نظارت مردمی. این عبارت بر این نکته تاکید دارد که مالکیت به شیوه‌ای مردمی و مساوی بین اعضا تقسیم می‌شود. این دو ویژگی در مورد مالکیت به عنوان وجه تمایز تعاونی با سایر نهادهای تجاری از جمله شرکتهای سرمایه‌داری و شرکتهای با نظارت دولتی، از اهمیت خاص برخوردار است. به علاوه هر تعاونی، از آنجا که یک واحد سازمان یافته و مستقل است که طبیعتاً واجد کارآیی لازم در بازارهای اقتصادی می‌باشد، به



دارند و از سوی دیگر اعضا باید در سازماندهی به امور خود از آزادی عمل برخوردار باشند. امید آن می‌رود که این تعریف در تهیه پیش‌نویس قانون، آموزش اعضا و تهیه متونی در این رابطه مورد استفاده قرار گیرد.

۳- تعریف مذکور بر ویژگیهای تعاونی تاکید دارد که در ذیل بدانها می‌پردازیم:

الف: شرکت تعاونی شرکت مستقلی است. این بدان معنی است که تعاونی تا سرحد امکان از بخش دولتی و شرکتهای خصوصی بی‌نیاز و مستقل است.

ب: شرکت تعاونی اجتماعی از افراد است و به عبارت دیگر تعاونیها در تعریفی که به هر شکل قانونی از واژه «شخص» می‌کنند، مختار هستند. بسیاری از تعاونیها در سراسر جهان عنوان «شخص» را برای نوع بشر بکار

سه جنبه، هر چند مختصر، مورد بحث و بررسی قرار می‌دهیم:

تعریف تعاونی

۱- در این بیانیه، تعاونی این گونه تعریف شده است:

«تعاونی شرکت مستقلی است که با گرد هم آمدن اعضا به شکل داوطلبانه به منظور رفع نیازهای مشترک اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و برآوردن خواسته‌های اعضا از طریق مالکیت مشترک و نظارت مردمی شکل می‌گیرد.»

۲- این تعریف صرفاً شرح کوتاه و مختصری از تعاونی ارائه می‌دهد. هدف توصیف یک تعاونی «تمام عیار» نیست. می‌توان گفت که تعاونیها مقیاس وسیعی را تحت پوشش دارند چرا که اعضا تعاونیهای مختلف به طرق مختلف با تعاونی سروکار

این اعتبار یک «تشکل اقتصادی» محسوب می‌شود و در نتیجه باید در خدمت به اعضای خود به طور کارآمد و شایسته کوشا باشد.

ارزشها - نخستین گزاره

جنبش تعاون از تاریخ تفکر برجسته و دیرینه‌ای برخوردار است که توجه بسیاری از نظریه‌پردازان ده نسل گذشته تاریخ بشر را در گوشه و کنار جهان به خود معطوف داشته و مشارکت همه جانبه آنان در راه اعتلای تفکر تعاون را از آن خود کرده و بخش اعظم این تفکر به ارزشهای تعاونی اختصاص دارد. ضمناً تعاونیهای سراسر دنیا در قالب یک نظام غنی عقیدتی متأثر از مذاهب و ایدئولوژیهای برگزیده دنیا گسترش یافته است. از آنجا که نظام فکری رهبران و گروههای تعاونی تا حدود زیادی تحت تاثیر این اصول عقیدتی می‌باشد، در نتیجه هرگونه بحث در مورد ارزشهای تعاونی عمیقاً ریشه در شیوه‌های مناسب سلوک اخلاقی دارد.

باری دست یافتن به اجماع آراء در مورد ارزشهای بنیادین تعاونی با وجود آنکه کاری پیچیده است اما بدون پاداش نیز نمی‌ماند.

طی سالهای ۱۹۹۰ تا ۱۹۹۲ تحت راهنماییهای آقای اسوان اکب سوک (Svan Ake Book)، از کشور سوئد و اعضای اتحادیه بین‌المللی تعاون، محققان غیروابسته به مجامع به بحث در خصوص ماهیت ارزشهای تعاون پرداختند. حاصل این بررسی و مطالعه در کتاب «ارزشهای تعاونی در دنیای تحولات»^(۳) تالیف آقای «بوک»، نشر اتحادیه بین‌المللی تعاونی در دسترس می‌باشد. کتاب مذکور به همراه کتاب اصول تعاون با عنوان «امروز و فردا»^(۴) نوشته «وی بی واتکینس» (W.P. Watkins) که مطالب آن حاوی بحثهای

نظری است و بیانیه «هویت تعاونی» از متن این کتاب برداشت شده است. مطالعه این کتابهای برای افراد مشتاق به شناخت کامل از ماهیت تعاونی توصیه می‌شود.

۱- نخستین گزاره در بیانیه ۱۹۹۵ درباره ارزشها تعاونیها را این گونه معرفی می‌کنند: تعاونیها بر مبنای ارزشهای خودیاری، دموکراسی، برابری، تساوی حقوق و آزادی استوار است.

۲- اصل خودیاری بر این نکته تاکید دارد که انسانها قادرند در تعیین سرنوشت خود نقش داشته باشند و باید در این راه تلاش کنند. تعاونگران هم بر این باورند که ارتقاء و اعتلای انسانها تنها با همبستگی صورت می‌گیرد. نهایت پیشرفت و دستیابی به آمال یک فرد به میزان تلاش و مجاهدت او در این راه محدود می‌شود در حالی که با کار مشترک و مسئولیت مشترک حاصل بیشتری بدست خواهد آمد به خصوص با افزایش سرمایه مشترک اعضای نظام اقتصادی بازار و دولت نیز بی‌نصیب نخواهد ماند.

افراد با عملکردی به شیوه تعاون و همیاری، با فراگرفتن مهارتهایی برای تسریع رشد و گسترش جنبش تعاون با حس تفاهم و درک متقابلی که از همقطاران خود می‌آموزند و با بینشی که از جامعه گسترده‌ای بدست می‌آورند که خود عضو کوچکی از آن هستند، پیشرفت می‌کنند و به تعالی می‌رسند. با توجه به این مسائل، تعاونیهای نهادهایی هستند که زمینه آموزش و توسعه پیگیر و مداوم را برای افرادی که با آنها سروکار دارند تامین می‌کنند.

۳- تعاونیها بر مبنای اصل تساوی استوارند. مقدم‌تریم عنصر در تعاونیها عضو می‌باشد که این عضو می‌تواند شامل یک نفر یا گروهی از

انسانها باشد. تاکید بر شخصیت انسانی اعضای از مهم‌ترین خصایص متمایزکننده تعاونیها از سایر شرکتهای سرمایه‌داری است. از این رو اعضای دارای حق مشارکت، حق کسب اطلاع، حق اظهارنظر، حق دخالت در تصمیم‌گیریها را دارند. در مواجهه با شرایط و چالشهای سخت در تعاونیها یا حتی سطوح بالاتر در فدراسیونهای تعاونی اعضای باید بطور یکسان درحد توان به کمک و یاری بشتابند. درواقع، اهمیت دادن به تحقق اهداف و حفظ اصل تساوی، لازمه تداوم کار کلیه تعاونیهاست. در نهایت، اصل تساوی پیش از آنکه عبارت ساده‌ای از قانون باشد، شیوه راهبردی برای اداره امور تجاری است.

۴- دست یافتن به اصل انصاف و عدالت در تعاونیها نیز از چالشهای مستمر و بی‌پایان است. در بحث بر مسئله عدالت در تعاونیها بیش از هر چیز این اصل در نحوه برخورد تعاونیها با اعضای نمود دارد. باید با اعضای با عدل و انصاف برخورد کرد، این امر را می‌توان در چگونگی دریافت پاداش براساس مشارکت اعضای همچنین تخصیص سود به سرمایه ثبت شده به نام اعضای و یا کاهش هزینه‌ها محاسبه نمود.

۵- آخرین ارزش کاربردی در تعاون «همبستگی» است. این ارزش تاریخی بس طولانی و مقدس در جنبش‌های بین‌المللی دارد. این ارزش در تعاونی این اطمینان را به بار می‌نشانند که عملکرد تعاونی تنها یک شکل تحریفی برای محدود کردن منافع فردی نمی‌باشد، تعاونی مفهومی فراتر از اجتماعی از افراد دارد، بلکه یک جامعه است، جامعه‌ای که هر یک از اعضای آن به نوبه خود مسئول برخورد مناسب با افراد عضو در تعاونی می‌باشند. افراد این جامعه باید پیوسته منافع

عموم را مدنظر داشته باشند. برخورد مناسب با کارگزاران تعاونی (عضو یا غیر عضو) همچنین با افراد غیر عضو که به نحوی از انحاء با تعاونی سروکار دارند، از جمله وظایف و مسئولیت‌های اعضای تعاونیهاست. همچنین همبستگی در تعاونی به معنای آن است که تعاونی مسئول فراهم کردن منافع اعضای خود می‌باشد. این ارزش بطور کلی، حاکی از آن است که اعتبارات مالی و اجتماعی تعاونی متعلق به گروه است. این داریها حاصل تلاش مشترک و مشارکت آنان است. در این مفهوم، ارزش همبستگی توجه انسان را به این حقیقت معطوف می‌دارد که تعاونیها مفهوم و جایگاهی بیش از اجتماعی از افراد را با خود دارند، تعاونیها مهر تاییدی بر توان گروهی و مسئولیت‌پذیری مشترک هستند.

به علاوه همبستگی به این مفهوم است که تعاونیها و تعاونگران در یک صف ایستاده‌اند. خواسته و آرمان آنها ایجاد جنبش متحد تعاون

در سطح محلی، ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی است. آنان به هر شیوه عملی برای ارائه ملزومات و خدمات با بهترین کیفیت و نازلترین قیمت برای اعضاء اقدام می‌نمایند. تعاونگران و تعاونیها درصددند تا با همکاری هم سیمای عمومی تعاون و تعاونی را به عامه مردم و دولتها ارائه نمایند. آنان بر این باورند که علی‌رغم اهداف مختلف و بافتهای مختلف تعاونیها، نوعی کلیت و اشتراک در آنها حکمفرماست.

ارزشها - دومین گزاره

۱- در دومین گزاره چنین می‌خوانید:

اعضای تعاونی‌ها نسبت به ارزشهای اخلاقی نظیر، صداقت، آزاداندیشی، مسئولیت‌پذیری اجتماعی و احترام به رای و نظر دیگران، پای‌بند هستند.

۲- امید آن داریم ارزشهای اخلاقی که الهام‌بخش تعاونیهاست، به حق بر شیوه



عملکرد شرکت‌های سرمایه‌داری و سازمانهای دولتی تاثیر گذارند. در هر حال، این ارزشها جزئی از ارکان تعاونی‌ها و دارای جایگاه ویژه‌ای در امر داد و ستد تعاونی‌ها هستند. به ویژه با ظهور تعاونیها در قرن نوزدهم این ارزشها مقام و مرتبت ویژه‌ای یافتند. همچنین این ارزشها از آغاز در شیوه عملکرد افراد عهده‌دار مسئولیت‌گسترش نهضت تعاونی و توسعه آن در سالهای میانی (۵) هویدا بود.

۳- اغلب تعاونی‌های اولیه قرن نوزدهم، از جمله شهره‌ترین آنها همین تعاونی پیشگامان راجدیل، نسبت به اصل صداقت به عنوان یک ارزش تعهد خاصی قایل بودند؛ در عرصه داد و ستد با تاکید بر توزین صادقانه، کیفیت مرغوب و قیمت مناسب نشان دهنده مساعی آنان در احترام به این ارزشها بود. در طول تاریخ تعاون، تعاونی‌های کارگری در سعی و تلاش برای خلق یک نظام مدیریتی صادقانه و آزاد اشتها دارند. آوازه تعاونی‌های مالی به دلیل شیوه صادقانه در امور تجاری خصوصاً در پرداخت و حساب و کتاب سود سهام در سراسر جهان پیچیده است. طی دهه‌های متمادی، تعاونی‌های کشاورزی با اهتمام در ارائه تولیداتی با کیفیت مرغوب و استفاده از برچسب‌هاییکه معرف واقعی کالا است، موفق بوده‌اند.

۴- گذشته از سنتی بودن اصل صداقت در تعاونیها، رعایت این اصل در معاملات تعاونیها با اعضای خود منجر به انجام معاملات عادلانه تعاونی‌ها با افراد غیر عضو خود خواهد بود. بر همین اساس تعاونیها گرایش خاصی نسبت به رعایت ارزش آزاد اندیشی دارند، بدین معنا که تعاونیها سازمانهای مردمی هستند که در بطن عموم مردم و دولتها جای دارند و از خواسته‌های آنان آگاه می‌باشند.

همایش تعاون. زن و اشتغال

تهران- ۷۵/۶/۱۴

مهمی است.

اصل ۴۳ قانون اساسی به این مسئله مهم اشاره می‌کند. نباید کاری کرد که دولت به یک کارفرمای بزرگ در کشور تبدیل شود، هیچوقت دولت یک تولیدگر خوب نیست، یک توزیع‌گر خوب هم نیست، دولت می‌تواند یک هدایتگر خوب باشد، دولت می‌تواند یک سیاست‌گذار خوب باشد، دولت می‌تواند یک ناظر خوب باشد و نظارت خوب داشته باشد، اساساً خداوند خواسته است در این جهان خلقت کارها با رقابتهای سالم پیش برود.

اساس اینکه کشورهای بلوک شرق نتوانسته‌اند روی پای خودشان بایستند و علی‌رغم آن همه بوق و کرنا و تبلیغات، آن تفکر منجر به شکست شد (من کاری به بخشهای سیاسی و بین‌المللی‌اش ندارم) اساساً به این دلیل بود که با طبیعت بشر با ساختاری که خداوند در طبیعت جهان بینانگزارای کرده، یعنی اصل رقابت سالم، در منافات بود.

یک وقتی من به شوروی سابق رفته بودم، در زمانی که کمونیستها قدرتمند بودند، با ماشین سفارت که این طرف و آن طرف می‌رفتیم راننده خیلی مواظب بود، می‌گفتم چرا اینقدر مواظبی، این خیابانها که خیلی خلوت است؟ گفت: این راننده‌ها عمداً می‌آیند و به آدم می‌زنند، گفتم چرا؟ گفت: برای اینکه راننده دولتی است، می‌خواهد عمداً تصادف کند ماشین او در تعمیرگاه بماند و او یک ماه بیکار باشد. این واقعیت است، راننده دولتی است وقتی تصادف می‌کند خوشحال است برای اینکه ماشین می‌رود در تعمیرگاه می‌خواهد، او هم یک ماه بیکار است. ولی اگر ماشین مال خودش باشد، یا خودش در مالکیتش سهمیم باشد، در زیانش، در سودش

ساختمان مرکزی تعاون برگزار شد.

در این گردهمایی جمعی از شخصیتهای حاضر در جلسه، طی سخنانی ابعاد فعالیت‌های انجام شده در بخش تعاون برای اشتغال بانوان را تشریح کردند و رهنمودهایی در این زمینه ارائه نمودند. اینک بخشی از مطالب ارائه شده در این همایش از نظر گرامیتان می‌گذرد:

از جمله برنامه‌های مفید و سازنده‌ای که در هفته تعاون امسال به اجرا درآمد برپایی همایشی با حضور نایب رییس مجلس شورای اسلامی، مقامات بخش تعاون، جمعی از خواهران نماینده مجلس شورای اسلامی و مسئولان و اعضای تعاونیهای بانوان بود که در روز چهارشنبه چهاردهم شهریور ماه گذشته همزمان با هفته تعاون در محل سالن اجتماعات

سخنان آقای دکتر حسن روحانی

نایب رییس مجلس شورای اسلامی

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد... رب العالمین و صلی... علی سیدنا محمد و آله اجمعین من عمل صالحاً من ذکر و انثی و هو مومن فلنهدینهم حیاة طیبه و لنجزینهم اجرهم به احسن ما كانوا یعملون هفته تعاون را به محضر حضور محترم، اعضای خانواده بزرگ تعاون در کشور، به وزیر محترم، معاونین و همه عزیزانی که در این وزارتخانه از روز تاسیس تا امروز در طول این ۵ سال شبانه روز تلاش کردند برای اینکه این وزارتخانه نوپا را بنیان‌گذاری و فعال کنند و همچنین تکامل این راه مقدس که قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران برای ما پیش‌بینی کرده، بوجود آورند، صمیمانه تبریک می‌گویم.

اینکه در هفته تعاون ۳۹۰ تعاونی جدید تولیدی و خدماتی توسط ریاست محترم جمهوری اسلامی ایران آغاز به کار می‌کند و

افتتاح می‌شود، نشان تلاش و فعالیت این وزارتخانه در راه گسترش این نهاد مقدس تعاونی است. جلسه امروز به مناسبت تعاون، زن و اشتغال است و من راجع به اصل مسئله تعاونی نکاتی را خدمت شما عرض می‌کنم و سپس به بحث نقش زنان در صحنه مسائل اجتماعی و اقتصادی کشور می‌پردازم:

در بخش اقتصادی و مسئله اشتغال، اساس اینکه قانون اساسی ما به مسئله تعاونی اهمیت فراوانی داده است، علاوه بر اینکه ریشه این تفکر یک تفکر دینی، مذهبی و فرهنگی با الهام از همان آیه معروف تعاون‌اعلی البر و التقوی است، به این دلیل بود که می‌خواستند در بخش اقتصاد جامعه‌ما، نه دولت سالاری باشد به آن مفهومی که در بعضی کشورهای دنیا در آن زمان مطرح بود و نه تکاثر سرمایه در دست افراد خاص باشد، آنچنان که در دنیای غرب مرسوم بود، و این نکته، نکته بسیار

سهیم و شریک باشد، بیشتر مراقبت می‌کند.

به هر حال آن کاسبی که ساعت ۵ صبح مغازه‌اش را باز می‌کند، مخصوصاً اگر یک کمی در فشار زندگی باشد، برای این است که مالک مغازه است و حاصل کار به خودش تعلق دارد. ولی کارمند اداری را باید به کارت زدن و با غیبت و با حقوق کم کردن و به انحاء و حیل متوسل شد تا سر ساعت بیاید. اما آن کسی که در سود و زیانش شریک است، به کارت زدن، غیبت گذاشتن و تنبیه کردن نیازی ندارد. خودش می‌آید سر کار، این طبیعت انسان است کاری نمی‌شود کرد.

حالا البته اگر ایمان، به آن معنای واقعی کلمه، در نهاد انسانها درخشش پیدا بکند، آن حساب دیگری است. ولی به هر حال: و قلیل من عبادی الشکور، آنها یک درصدی هستند، بقیه نیاز به این است که کارت بزنند، غیبت بزنند، اخراج بکنند، تنبیه بکنند. پس اساساً این رقابت سالم باید در جامعه باشد دولت واقعاً نمی‌تواند یک کارفرمای خوب باشد. به تعبیر قانون اساسی، دولت نباید به یک کارفرمای بزرگ تبدیل بشود، البته قانون اساسی به دلیل مسائل امنیت ملی، برخی از بخش اقتصاد را به دوش دولت گذاشته که آنها حسابهای دیگری دارد، محاسبات دیگری وجود دارد که الزام کرده در اختیار دولت باشد. اما به غیر از آن بخشی که قانون اساسی الزام می‌کند در اختیار دولت باشد، هر چه ما بار دولت را سبکتر کنیم به نفع ما و به نفع کشور است، به نفع رشد کشور است، به نفع توسعه و تعالی کشور است. در بخشهای تعاونی و خصوصی، اگر بتوانیم قادر باشیم که نگهداریم سرمایه‌ها در دست افراد خاص انباشته شود و به تکاثر ثروت نزد افراد خاص تبدیل شود و به تعبیر قرآن کریم: «لایکون دولة بین الاغنیاء منکم» از لحاظ



سیاسی و امنیتی برای ما بسیار مهم است.

شما باید بدانید که قدرت اقتصادی اثر بسیار مستقیمی در قدرت سیاسی کشور و همچنین در مسائل فرهنگی کشور خواهد داشت. اگر ما امروز مردم را به یک مشارکت عام سیاسی دعوت می‌کنیم، نمی‌شود مشارکت عام سیاسی باشد، اما در بخش اقتصادی مشارکت عمومی نباشد.

چگونه می‌توانیم مردم را در بخش اقتصادی سهیم و شریک بکنیم و یک مشارکت عمومی بوجود بیاوریم، در حالی که تکاثر هم نباشد و قدرت اقتصادی در اختیار افراد خاص نباشد؟ چون می‌دانید اگر قدرت اقتصادی در اختیار افراد خاص قرار بگیرد بدنبالش فساد است «ان الانسان لیطغی ان راه استغنی» همچنان که انسان ببیند این مصنوع، این چیز تولید شده، منحصرأ در اختیار او هست، انواع حیل را به کار می‌بندد تا انباشار جا دارد، اینها را در انبار کارخانه نگه می‌دارد،

۵ روز، ۱۰ روز دو هفته به بازار نمی‌دهد تا قیمتها ترقی کند. مگر اینکه بالاسر همه اینها ناظر بگذاریم، مراقبت بکنیم، مواظبت بکنیم. خوب، راه طبیعی این است که مردم را در امور اقتصادی سهیم و شریک بکنیم.

اصلاً بانکها یکی از وظایفشان این است که مردم را سهیم و شریک بکنند. اساس کار بانک این است که پولهای خرد مردم را جمع کرده و به صورت یک سرمایه کلان سرمایه‌گذاری بکند.

بخش تعاونی، بخش بسیار مهمی است یعنی افراد می‌توانند با سرمایه‌های کم، کنار هم جمع شوند و با یک سرمایه متوسط یا یک سرمایه بزرگ، بتوانند کارهای تولیدی مهم را انجام دهند. این خیلی مهم است که همه مردم در صحنه اقتصادی حضور داشته باشند، فعال باشند، نقش داشته باشند؛ هنوز هم افرادی هستند که سرمایه‌هایشان را گوشه و کنار نگه می‌دارند و می‌ترسند به صحنه اجتماع بیاورند. سرمایه را حبس می‌کنند.

افسار زدن به سرمایه برای بسیاری از افراد ترسناک است. سرمایه وقتی لجام گسسته است، به نفع آنها است. تا سرمایه روی زمین مستقر نشده، کسی نمی‌بیند. این گوشه، آن کنار، اینجا، آنجا، حتی می‌برد درصد تا بانک، هر بانکی یک مقداری از این پولش را می‌خواباند، اما به محض اینکه این سرمایه یکجا روی زمین مستقر شد، همه نگاه می‌کنند، همه می‌بینند، آن کسی که مسئول مالیات است بالا سر آن می‌آید، آن کسی که مسئولیتهای دیگر اجتماعی دارد بالا سر آن می‌آید. این است که می‌ترسد این همه سرمایه را روی زمین بیاورد. البته بسیاری از اوقات این ترسها اوهام است کسی کاری ندارد و اگر کسی واقعاً طبق قانون و مقررات فعال شود،

مزاحمتی برای او ایجاد نمی‌شود.

من فکر می‌کنم در پوشش تعاون، مردم کاملاً احساس امنیت می‌کنند. آن آقای که می‌خواهد در یک جا سرمایه‌گذاری کند، اگر برود در ۵۰ تعاونی سرمایه‌گذاری کند خیلی راحتتر می‌تواند این کار را انجام دهد. هم آن انحصار شکسته می‌شود، هم آن تکاثر شکسته می‌شود و هم خودش احساس امنیت می‌کند. بنابر این تعاونیها، حتی برای حرکت سرمایه از بخش دولتی به بخش تولید خیلی می‌توانند نقش داشته باشند، و این کار، کار بسیار ارزنده و کار بسیار مهمی است.

من فکر می‌کنم هر چه ما بخش تعاونی کشور را تقویت بکنیم ضرر نمی‌کنیم و به نفع کشور است، اگر ما می‌خواهیم رشد اقتصادیمان را با مسائل فرهنگی جامعه در کنار هم قرار دهیم، راهش این است: بخش تعاونی را تقویت بکنیم این به نفع شکوفایی کشور، رشد کشور، توسعه کشور و همچنین برای مشارکت عام مردم در همه صحنه‌های اجتماعی خواهد بود.

اما مسئله زنان و حضور زنان در بخش اقتصادی و در بخش اشتغال، مسئله بسیار مهمی است. خوب حالا، درصد خانمهایی که در بخش اقتصادی فعال هستند به چه میزان است؟ به قول آقای مهندس شافعی، آمار سخت است. این آمارهایی که در اختیار ما است یک مقدار با واقعیت فاصله دارد. کشورهای بسیار پیشرفته صنعتی هم آمارشان با واقعیت اختلاف دارد و یک درصدی ۵٪، ۳٪، ۴٪ اختلاف دارد، کشورهای در حال توسعه آمار واقعیشان با آمار اعلام شده اختلاف بیشتری دارد. البته باید تلاش کنیم این اختلاف را کم بکنیم.

من همین چند روز پیش در انتخابات لبنان دقت می‌کردم، می‌دیدم واقعاً چه مشکلاتی در

کشورهای جهان سوم وجود دارد. آنها انتخاباتشان با ما فرق می‌کند. با شناسنامه نمی‌روند رای بدهند، هر کسی باید به اداره ثبت محل برود و یک ورقه‌ای بگیرد و با الصاق عکس خودش به این ورقه، می‌تواند رای بدهد. آنوقت یک فرده تا از این ورقه‌ها می‌گیرد. افراد می‌روند ورقه تمام افراد مرده فامیلشان را می‌گیرند و عکس خودشان را می‌زنند روی آن مشخصات مرده، و در چند صندوق رای می‌دهند، من در یکی از گزارشات خواندم که در جنوب لبنان، یکی از این گروهها ۵۰ هزار رای الکی از قبل برای خودش درست کرده با همین تقلبات و با همین مرده‌ها و با همین شناسنامه‌های جعلی.

آنچه که راجع به اشتغال زنها اعلام می‌شود، با واقعیت حتماً مختلف است. خیلی خانمها در خانه‌ها فعال هستند و جزء آمار نمی‌آیند، فعالیت آنها هم بسیار ارزشمند است. اما به هر حال ما باید قبول کنیم که زنها اساساً در سطح دنیا، حضورشان در صحنه‌های اجتماعی به مفهوم عام کلمه یعنی اقتصادی یعنی سیاسی و بخشهای دیگر، در دهه‌های اخیر شروع شده و این جور نبوده که از ۲۰۰ سال پیش شروع شده باشد.

من یک نکته‌ای برایتان بگویم که برای خود من عجیب بود. سوئیس یک کشور بسیار پیشرفته است، یک کشور صنعتی پیشرفته است، آنجا مشارکت عام وجود دارد. کانونها، ویژگیهای خاصی از لحاظ سیاسی در این کشور دارد. ولی در بعضی از بخشهای سوئیس تا سال ۱۹۷۴ زن حق رای نداشته برای خود من تعجب‌آور بود که ۲۲ سال پیش در سوئیس، زن حق رای نداشته، نه در انتخابات مجلس نه در سایر انتخابات حق نداشته رای بدهد. این نشان می‌دهد که حرکت خانمها در

صحنه‌های اجتماعی و سیاسی در سطح دنیا سابقه طولانی ندارد و از دهه‌های اخیر شروع شده است. البته این روز به روز به سمت تعالی بوده است.

چند سال پیش در دانشگاه کمبریج با یکی از مسئولین دانشگاه صحبت می‌کردیم، گفت: تا سال ۱۹۷۹ ورود دختر در دانشگاه کمبریج ممنوع بوده و هیچ دختری نمی‌توانسته وارد این دانشگاه شود و ویژه پسران بوده است. از سال ۱۹۷۹، یعنی سال انقلاب ما تازه ورود دختر به این دانشگاه آزاد شده است. من می‌خواهم بگویم حتی در کشورهای صنعتی اروپا و کشورهای پیشرفته این جور نیست که زنها همانند مردها در تمام صحنه‌ها حضور داشته باشند، اما می‌گویم که این حرکت شروع شده است.

خوشبختانه آئین مقدس اسلام ۱۴ قرن پیش از خیلی از این تمدنهایی که امروز در غرب مطرح است جلوتر بوده و مقام و منزلت زن را واقعاً در حد واقعیش و در بهترین حدش به جامعه بشری معرفی کرده است. شما می‌دانید که مالکیت زن در اموال غیر منقول، مثل خانه، مثل زمین تا چند دهه پیش در بسیاری از کشورهای اروپایی ممنوع بوده و زن نمی‌توانسته مالک خانه باشد، مالک اموال غیر منقل بشود، اما در اسلام از ۱۴ قرن پیش در مالکیت زن هیچ محدودیتی وجود ندارد. فعالیت زن در تمام صحنه‌های اقتصادی و مالکیت هر نوع اموال برای زن آزاد بوده، از زمان پیغمبر اکرم (ص) زن می‌توانسته خانه بسازد، زمین بخرد، خانه بفروشد، زمین بفروشد.

قانون اسلام در بخش اقتصادی زن و مرد را کاملاً معادل یکدیگر قرار می‌دهد. در صحنه فرهنگی که روشن است اساساً از

دیدگاه اسلام نه مرد بودن امتیاز است و نه زن بودن امتیاز است. معیار سنجش: ان اکرمکم عندا... اتقیکم می باشد که در قرآن مجید بر آن تاکید شده است. اساس پاکدامنی است، اساس تقوی است، اساس شرف است، اساس عزت نفس است اساس مقام معنوی است یک خانمی ممکن است از میلیونها مرد که مقایسه کنیم مقامش بالاتر باشد یک مرد ممکن است از میلیونها زن مقامش بالاتر باشد. اصلاً زن بودن یا مرد بودن در مقام و منزلت اسلامی، هیچگونه تاثیری ندارد. الگوی ما مقام و منزلت فاطمه اطهر(س) است که خوب همه ما مسلمانها خانمها و آقایان همه، به مقام و منزلت آن بانوی بزرگ آشنا هستند و می بینند که مقام و منزلت فاطمه اطهر در چه حد و سطحی است. این نشان می دهد که از دیدگاه اسلام زن بودن و مرد بودن مطرح نیست. آن آیه شریفه سوره نمل که می فرماید: «من عمل صالحاً من ذکر او انثی و هو مومن فلنهدینهم حیاة طیبه بهترین است آن که ما می خواهیم، یک حیات و زندگی طیبه است، حیات و زندگی پاک بدون هیچ آلودگی، بدون هیچ آرایش قرآن می گوید: برای هر زن و مرد، رسیدن به حیات طیبه یکسان است. آنچه می خواهد ایمان است و آنچه می خواهد عمل صالح است.

اساساً از دیدگاه اسلام این راه برای خانمها کاملاً باز بوده است. به شهادت تاریخ، در کشور ما که یک کشور اسلامی بوده و مردم ما قرنها مسلمان بودند و به اسلامشان عشق می ورزیدند، زنها در صحنه های اقتصادی بسیار فعال بودند. در واقع خانه داری، ویژه زنان اشراف بوده است. زنهایی که جزو اشراف بودند، در خانه بودند، خانه دار بودند، هر خانواده ای که وضع زندگی پایین تر بوده، زن در صحنه اقتصادی بوده و کار می کرده است.

در دورانی که زندگی مردم زندگی عشایری بوده، هنوز هم شما در عشایر می بینید که همه کار بعهده زنها است، کارهای اساسی و کارهای تولیدی بعهده زنها و بخش تجاریش بعهده مردها است. وقتی کمره آماده می شود مرد می آورد در شهر می فروشد، وقتی پنیر آماده می شود می برد می فروشد. همه کارها بعهده زنها است. در شمال ایران هم کارها بعهده زنها است و زنها فعال هستند.

بله، یک عده زنهایی بودند که وضع زندگی شان بسیار خوب بود، خانواده های اشراف بودند، این زنها خانه دار بودند کار نکردن برای زن، جزء اشرافی گری بوده، این ربطی به دین ندارد، این اشرافیت، بعد تبدیل شده به دین یعنی زنی با دین تر است که در خانه باشد. نه، اصلاً این نبوده، این اشرافیگری آماده بوده که به غلط به مسائل فرهنگی و دینی راه یافته ست. آن ریزه کارها، آن مسائل اخلاقی که اسلام مدنظر دارد، آن بحث دیگری است، اما در خانه بودن، بیرون آمدن، کار کردن، کار نکردن ربطی به اسلام ندارد.

حتماً اسلام ما را تشویق به کار می کند. حتماً اسلام ما را تشویق به کوشش و فعالیت می کند. اما اینکه زنها در صحنه اقتصادی حضور داشته باشند چقدر مفید و مهم است، خوب یک نکاتی را آقای مهندس شافعی اشاره کردند که به هر حال اگر زن بیاید در صحنه کار، می توانیم فرزند کمتر، زندگی بهتر را به نحو بهتری تحقق ببخشیم، بلکه ممکن است این هم جزو فوایدش باشد. یا اینکه زنها وقتی در صحنه اقتصادی می آیند، احساس بکنند مردها چه مشکلاتی دارند دستشان بر روی آتش قرار می گیرد و حس می کنند که این گرما، سرمای دنیا چه هست. بلکه ممکن است این هم موثر باشد.

اما واقعیت این است که یک فردی که کار می کند، به کارش علاقه دارد، نه اینکه کار می کند که پول بگیرد. آن کسی که کار می کند و به کارش عشق می ورزد، مخصوصاً کار تولیدی، مخصوصاً کار هنری، این واقعیت، زندگی را لذت بخش می کند. مثلاً یک هنرمند که یک تابلو می کشد، اصلاً بحث این نیست که الان کار می کند چقدر پول می گیرد، تابلویش چقدر می ارزد، این مهم نیست، بلکه هنرمند در تابلو و این هنر، در واقع وجود خودش را می بیند. من اگر تعبیر بکنم، بگویم شبیه فرزند آدم هست خوب، در یک سطح خیلی پایین تر هنرمند واقعاً حس می کند این وجود اوست این هنر اوست، این ذوق اوست که بر روی تابلو ثبت شده و می تواند جاودانه باشد.

شما فکر می کنید یک کسی که قالی می بافت، حالا نه این قالیهای معمولی سطح پایین، قالیهای ظریف هنری، البته آن سطح پائینش هم ارزشمند است و یک کار هنری است ولی مخصوصاً آن قالیهایی که واقعاً هنرمندانه بافته می شود، این چقدر ارزشمند است؟ وقتی این قالی تمام می شود اصلاً بحث این نیست که این را کی می خورد، چند می خورد، واقعاً آن قالی باف وقتی هنر خودش را می بیند لذت می برد، برایش لذت بخش است مخصوصاً اگر ما بگذاریم واقعاً آن هنرمند که قالی خوب می بافت نه به اسم صاحب کارگاه که به اسم بافنده، نام بافنده کنار آن قالیچه زیبا، آن قالی ارزشمند، ثبت شود. این احساس می کند دارد جاودانه می شود احساس می کند تا این فرش هست، او نیز هست و این فرش هست و ۱۰۰۰ سال می تواند باشد. من فکر می کنم آن کسی که کار می کند و به کارش علاقه مند هست، مثلاً یک خانمی که در زمینه

فیلم کار می‌کند، در کار هنری فیلم، اصلاً بحث این نیست که آنجا کار می‌کند و چقدر پول می‌گیرد، اصلاً تا وقتی که این فیلم بخش می‌شود، مردم می‌بینند، خودش می‌بیند، هر بار که می‌بیند لذت می‌برد، این لذت زندگی است.

واقعاً زنانی که ذوق دارند، هنر دارند، قدرت دارند، هیچ فرقی در استعداد و قدرت بین زن و مرد نیست. نوعش فرق می‌کند ممکن است در یک کار، مرد استعداد داشته باشد در یک کار زن. آن یک بحث دیگری است. دو تا آدم هم همینطورند. ممکن است من در نقاشی ذوق داشته باشم یکی ذوق نقاشی ندارد در کار صنعتی ذوق دارد در کار کامپیوتر ذوق دارد، آن بحث دیگری است. اما به هر حال در خلاقیت، در آفرینش هنر، در آفرینش کار تولیدی، هیچ فرقی بین مرد و زن وجود ندارد و همه آن قدرتها را زن دارد.

در بخش تعلیم و تربیت هم همین‌طور است هیچ فرقی ندارد، واقعاً این‌جور است، چه تفاوتی بین زن و مرد هست؟ ما واقعاً در مجلس شورای اسلامی این را کاملاً حس می‌کنیم، بین مرد نماینده و زن نماینده واقعاً هیچ فرقی نیست واقعاً ما تفاوتی نمی‌بینیم. بعضی از زنهای نماینده از بعضی مردهای نماینده قوی‌ترند. بهتر می‌اندیشند، بهتر فکر می‌کنند، بهتر طرح می‌دهند، بهتر صحبت می‌کنند، بهتر استدلال می‌کنند. اصلاً ربطی ندارد در این بخشها مرد بودن و زن بودن، واقعاً تاثیری ندارد با معیارهای اسلامی هم منطبق است.

خوب هر زنی که واقعاً می‌تواند کاری را انجام دهد ما باید زمینه را برایش فراهم بکنیم. من فکر می‌کنم این تعاونیها واقعاً محیط را آماده می‌کند، واقعاً زمینه را برای فعالیت و کار فراهم می‌کند و این خیلی مهم است. خیلی

ارزشمند است. وسایل کار را آماده می‌کند خیلی مهم است بعد هم یک وزارتخانه است به دولت وصل است به نظام وصل است مردم به آن اعتماد دارند. این کاری که وزارتخانه می‌کند می‌توانیم بدهیم به یک شرکت، منتهی مردم اعتماد نمی‌کنند، نمی‌توانند اعتماد کنند. وقتی یک وزارتخانه است و در رأسش یک وزیر است از مردم رأی اعتماد می‌گیرد، مجلس ناظر هست، دستگاه قضایی ناظر است، مقام معظم رهبری که بر کل کشور ناظر هست بر این بخشها ناظر هست، مردم احساس اطمینان می‌کنند. پس این کار، کار بسیار ارزنده‌ای است. اینکه زن در زندگی خودش احساس لذت بکند این یک دوم بخش فرهنگی و اخلاقی است.

من اگر بگویم بیکاری ام‌الفساد است شما باور کنید این حرف اغراق و مبالغه نیست. بیکاری فساد درست می‌کند در اداره هم همینطور است. اگر در یک اتاقی که سه تا کارمند لازم است باشد، یک چهارمی اضافه شود، آن که بیکار است، آن سه نفر را هم بیکار می‌کند او چون بیکار است، نمی‌گذارد آن سه نفر هم کار کنند، بنابراین بیکاری در همه جا فساد آور است.

یک زن اگر وقت اضافه داشته باشد مثل مرد فرق نمی‌کند مرد هم وقت اضافه داشته باشد چه کار می‌کند؟ ناچار است بگوید آقا همسایه چه کار کرد، آن یکی چه کار کرد، دخترخاله چه کار کرد، پسرخاله چه کار کرد. وقتی آدم بیکار می‌شود چاره‌ای ندارد جز اینکه وقت خودش را یا به صورت مهمل و غلطی و یا خدای ناکرده در راه‌گناه، از غیبت و تهمت بدتر و بالاتر که ما گناهی نداریم. واقعاً آدم آلوده می‌شود، آدم بیکار عشقش به غیبت است، به تهمت است، اصلاً با این

زندگی می‌کند، دیگر نمی‌تواند، چه کار بکند؟

ما برای اخلاق جامعه، ما برای سلامت جامعه، ما برای هدایت بخش فرهنگی جامعه باید اشتغال درست کنیم، اهمیت اشتغال تنها در آثار اقتصادی نیست، مهمتر از بخش اقتصادی، بخش فرهنگی است، مهمتر از بخش فرهنگی، بخش امنیتی است، شما امنیت ملتتان در کشور با اشتغال تضمین می‌شود، بیکاری امنیت را تهدید می‌کند. آسایش دیگران را تهدید می‌کند، اخلاق جامعه را تهدید می‌کند، فرهنگ جامعه را تهدید می‌کند و این خیلی مهم است که ما نگذاریم افراد بیکار در جامعه باشند. حالا ممکن است یک خانمی در بعضی از سالها گرفتار باشد، ممکن است سال اول ازدواج است، بچه اول است، گرفتار است، اشکال ندارد، مشغول است. اما مثلاً ممکن است این خانم در سن سی سالگی بیکار بشود یعنی بچه‌هایش همه رفتند مدرسه و راهنمایی یا بعضی‌ها رفتند دبیرستان، دیگر کاری به این مادر ندارند، حالا کارخانه، مگر چقدر زیاد است؟ وقتی زن بیکار باشد تبدیل می‌شود به وسواس، اینجا را نظیف بکند، آنجا را کهنه بکشد، اینجا را چه کار بکند. این می‌شود به وسواس، وسواس می‌شود یک بیماری.

واقعاً در آن زمانی که زن فرصت دارد، یا اینکه بین تحصیل و ازدواج که یک زمانی هست. مثلاً دیپلم گرفته شده، دانشگاه هم نمی‌خواهد برود، تا شوهر کردن هم ممکن است ده سال فاصله داشته باشد، این ده سال چه کار کند؟ اگر در خانه بماند هر روز با مادرش دعوا می‌کند، دختر در سن رشد و بلوغ قرار گرفته در خانه بیکار است، مادر هم در خانه است، دوتایی با هم دعوا می‌کنند، پدر هم که



است. مولفه‌های قدرت ملی همه بهم گره خورده است و این بسیار مهم است که بخش بزرگی از جامعه ما که قدرت دارد، هنر دارد، می‌تواند کار بکند، فعال شود. چرا ما این قدرت را در داخل خانه محبوس بکنیم، این چه کاری است. چرا تبدیل نکنیم به ارزش افزوده. آقای مهندس شافعی مثال زدند گفتند: مثلاً یک چلوکباب پانصد تومانی، مواد اولیه‌اش صد تومان است و چهار صد تومان آن کار خانم است. این ممکن است کم و بیش باشد بهر حال، یک بخشی از آن ارزش افزوده است که خانم بوجود می‌آورد.

ما امروز واقعاً نیازمند به ارزش هستیم، ما امروز نیازمند هستیم که از اتکاء به نفت رهایی پیدا بکنیم. برای این که متکی به نفت نباشیم، باید بازار صادرات حداقل منطقه را در دست بگیریم، برویم در صحنه و برای اینکار بخش صنایع دستی و هنر سنتی ما می‌تواند برای کشور ما خیلی ارزش‌آور باشد.

در اندونزی، یک کارهای هنری زیبایی روی چوب انجام می‌دهند. البته هم آقایان کار می‌کنند، هم خانم‌ها کار می‌کنند، و رقم عجیبی در صادرات دارد.

یکی از مسئولین اندونزی به من گفت: در این بخش و هم در سایر کارهای هنری و دستی، درآمد ما در سال بیست میلیارد دلار است. من البته تردید کردم به این آمار ولی حالا ۲۰ میلیارد نباشد و ۱۰ میلیارد باشد، ۱۰ میلیارد نباشد و ۵ میلیارد باشد. خیلی مهم است. واقعاً هنر و ذوق ایرانی به اعتقاد من، با هیچ ملتی قابل مقایسه نیست. این خود ستایی از ملت خودمان نیست. واقعاً ایرانی در همه صحنه‌ها استعداد خود را نشان داده است. خوب چرا نرویم در این بخش، چرا کارهای هنری ارزشمند و زیبا انجام ندهیم و بازار منطقه

به اعتقاد من اشتغال زن، اخلاق مرد را در خانه متعادل می‌کند و تبدیل می‌کند به یک زندگی سالم، به یک زندگی اسلامی، به یک زندگی انسانی. چون خیلی رفتارهایی که در خانه‌ها وجود دارد با آنکه آئین مقدس اسلام مقرر کرده منطبق نیست. اصلاً ما نمی‌توانیم بگوییم که وظیفه زن و مرد در خانه چیست. واقعاً اگر توضیح بدهیم، در همه خانه‌ها دعوا می‌شود، برای آنکه آنقدر اسلام طرفدار خانمها است، آنقدر وضعیت آنها را از هر جهت مراعات کرده که اگر گفته شود دعوا درست می‌کند.

علاوه بر ایجاد تعادل در اخلاق و رفتار مرد در خانه، من فکر می‌کنم نکته مهم این است که اشتغال خانم‌ها خیلی می‌تواند در رشد تولید ناخالص ملی ما موثر باشد. من خدمت شما برادران و خواهران عرض می‌کنم که اقتدار ملی ما به رشد تولید ما بستگی دارد، هر چه تولید ناخالص ملی ما بالا برود، این به معنی قدرت ملی ما هست، این قدرت ملی فقط هم در بخش اقتصاد نیست، بخش فرهنگ، بخش نظامی همه به هم گره خورده

شب می‌آید باید دعوی اینها را حل بکند. ما باید اینها را مشغول بکنیم. من می‌خواهم بگویم اشتغال در بخش فرهنگی و سلامت خانواده می‌تواند بسیار موثر باشد.

اینکه ما می‌گوییم اشتغال، لازم نیست یک زن از اول تا آخر عمرش کار کند. نه، ممکن است دو سال کار کند، بعد سه سال کار نکنند. بعد دو سال دیگر کار می‌کنند، پنج سال کار نمی‌کنند، مهم این است که ما زمینه را فراهم بکنیم تا آن خانم یا دختر خانمی که فرصت دارد، وقت دارد می‌تواند کار بکند، واقعاً مشغول باشد، مهم ایجاد اعتماد و حسن اعتمادی است که در خانمها بوجود می‌آوریم. من نمی‌خواهم بگویم وابستگی به شوهر بد است، بد نیست، نه این بد نیست. منتهی باید اعتراف کنیم، همه مردها آن اخلاق اسلامی لازم را ندارد گاهی این قدرت اقتصادی را اهرم می‌کنند علیه زن، این زن اگر بداند که یک شغلی دارد یا یک کاری دارد که نیازمند نیست، می‌تواند اگر فردا مشکلی پیش آمد، زندگی‌اش را اداره بکند و این موضوع، مرد را در رفتار متعادل می‌کند.

و بازارهای بین‌الملل را بتدریج قبضه بکنیم؟ خانم‌ها در این بخش قدرتشان از مردها بیشتر است. در کار ذوق، در کار هنر، اصولاً در ظرافت، واقعاً زن با حوصله‌تر است، ظریف‌تر کار می‌کند، دقیق‌تر کار می‌کند، واگذار کنیم به خانمها، این برای ما خیلی ارزنده است، واقعاً بخش مهمی هست از اقتصاد ملی ما هست، اتکاء ما از نفت برداشته می‌شود و این برای امنیت ملی ما بسیار موثر است.

مثلاً در لباس دوزی، چرا ما بازار دنیا را قبضه نکنیم؟ کی هست که ذوق ایرانی را داشته باشد هنر ایرانی را داشته باشد. من نمی‌خواهم اسم ببرم، هنوز هم بعضی از شرکتهای تولیدی لباس ایرانی، در اروپا و آمریکا گرانترین لباس را تحویل می‌دهند. شما می‌دانید ارزش افزوده‌اش چقدر زیاد است، بین آن مواد اولیه با آن لباسی که داخل بازار می‌رود. خوب این کار، کار خانمهای ما است. در بعضی از زمینه‌ها خانمها بهتر از آقایان می‌توانند کار بکنند و فعال‌تر بشوند بیایم در این زمینه‌ها و در این بخش‌ها که ارزش‌آور است و می‌توانیم بازارها را بگیریم، تعاونیهای تولید را فعال سازیم، از لحاظ تبلیغی و فرهنگی چقدر مهم است. چرا روی لباس خوب روی صنعت خوب، اسم ایران نباشد.

البته ما باید مراقبت بکنیم که هر چه زیرش نوشته شده: ساخت ایران، میداین ایران، المصنوع فی‌الایران، کار دقیق و حساب شده باشد با تعهد باشد. همان که قرآن می‌گوید: من عمل صالحاً کار ما به عنوان یک ایرانی به عنوان یک مسلمان، به عنوان یک انقلابی باید بگونه‌ای باشد که این کار مبلغ کشور ما و فرهنگ ما باشد. هر که مارک ایران را ببیند بگوید که ایران یعنی اعتماد، ایران یعنی دقت. ایران یعنی ظرافت. همین ژاپن، یک زمانی

یادم هست کسی مارک ژاپنی نمی‌خرید، می‌گفتند بدرد نمی‌خورد. همه دنبال مارک اروپایی بودند، آلمانی بودند، انگلیسی بودند، چه جور توانست این کار را بکند که این مارک ارزشمند شد؟ این حیثیت ملی است، این اقتدار ملی است برای یک کشور.

خوب ما می‌گوییم کشور انقلابی، می‌گوییم کشور امام زمان. زینت امام زمان باشیم، زینت امام صادق باشیم، زینت پیغمبر باشیم. هر که در دنیا کار ما را می‌بیند بگوید: به به، این کار ایران است. این کار انقلاب است، این کار اسلام است، این کار مکتب است، پس ما می‌توانیم. یک کار فرهنگی عمیقی در کنار بخش اقتصادی انجام بدهیم و این کار، کار تعاونی‌ها است، کار این وزارتخانه است. واقعاً این وزارتخانه می‌تواند در بخش امنیت ملی، در بخش اقتصاد کشور، در بخش فرهنگ بزرگترین قدم‌ها را بردارد.

بمحمد... ما در یک کشوری هستیم که در آن زیربناهای اصلی همه چیز درست است، ببینید اول یک رهبری خوب است. اول در این کشور، رهبران خوب هستند. این نعمت را خدا به ما داده است. شما همین بغل دست ما را ببینید، ملت عراق چقدر بدبخت است، چقدر بیچاره‌اند، چقدر مظلومند. هشت سال در جنگ بوده‌اند و الان شش سال است در بدبختی بعد از جنگ هستند. از روز اول انقلاب اسلامی ایران تا به امروز مردم عراق بخاطر ظلم حزب بعث یک روز نفس راحت نکشیده‌اند. واقعاً آدم فکر می‌کند خداوند چه جور این مردم را گرفتار یک مشت رهبران احقر کرده است.

هر چه آدم فکر می‌کند که این با چه منطقی می‌خواند، با چه عقلی می‌خواند که با توپ و تانک و مسلسل بریزند یک شهر و

مردم را بکشند. فراد با یک تهدید آمریکا برمی‌گردد بیرون، همین کار را هم کرد. آمدند، ریختند توی اربیل با پانصد تا تانک و نفربر عراق حمله کرد به شهر اربیل. این همه مردم را به خاک و خون کشید شهر را ویرانه کرد، نابود کرد، بعد گفت ما در این شهر برای همیشه می‌مانیم. در تمام سردرب ساختمانها تابلوی دولت عراق را نصب کرد. ۲۴ ساعت بعد از تهدید آمریکا، از اربیل خارج شد، نتوانست بماند و حالا موشکهای آمریکا به داخل خاک عراق و مراکز صنعتی و نظامی و یا مسکونی‌اش نشانه رفته است و شما می‌بینید که مردم چه بدبختی می‌کنند. آن طرف شما کار احقرانه حزب بعث عراق و بغداد را می‌بینید و این طرف هم کار نابخردانه و غلط آمریکا و مخالف معیارهای بین‌المللی برای حمله یک جانبه خودش و تصمیم فردی خودش علیه یک کشور مستقل.

خوب این بدبختی و بیچارگی که مردم عراق دارند بخاطر چیست؟ به خاطر این است که رهبری این کشور، رهبری ناسالم است، برای اینکه حاکمان این کشور حاکمان نابخرد هستند. این اساس هست، تا این نباشد امنیت نیست، تا این نباشد اعتماد نیست، تا این نباشد کار نیست، تا این نباشد اقتصاد نیست، فرهنگ نیست. خدا این نعمت بزرگ را بما داده در این کشور، خدا نعمت رهبری شایسته و رهبران شایسته که واقعاً باید در تمام مواقع برای مقام معظم رهبری مدظله‌العالی و برای مقام ریاست جمهوری دعا کنیم. واقعاً این دو نعمت هستند. این دو نعمت هدیه الهی است، نعمت بزرگ الهی است که خداوند به ما داده است.

من با آقای رییس‌جمهور به خارج از کشور زیاد سفر کرده‌ام. با هر سیاستمداری

می‌نشیند و حرف می‌زند شما که نشسته‌ای لذت می‌بری، می‌بینی یک سروگردن بالاتر از دیگران است. چقدر لذت بخش است، چقدر ارزنده است، چقدر نعمت بزرگی است.

امروز این هماهنگی که در این کشور بین دستگاه‌های اجرایی، بین دستگاه‌های مقننه بین دستگاه قضایی وجود دارد، واقعاً بی‌نظیر است. شما این کشورهای همسایه ما را نگاه کنید ببینید دعوای، اختلافات حزبی چه بلایی به سرشان آورده است. در این کشور خداوند این نعمت را به ما داده، ما قدردان این نعمت باشیم. خداوند نعمت امنیت را به ما داده قدردان این نعمت باشیم، امکانات بهداشتی، امکانات درمانی، امکانات آموزشی را دولت کریمه برای ما فراهم کرده است، قدردان این نعمت باشیم. زمینه‌های رشد و تعالی اقتصادی هم امروز بحمد... برای ما آماده است ما قدردان باشیم.

من بیش از این زحمت نمی‌دهم واقعاً موضوعی که بحث امروز هست و این جلسه به خاطر آن هست یعنی نقش خانم‌ها، نقش زنان در بخش تعاونی، در بخش اشتغال، در بخش اقتصادی مسئله بسیار مهمی است، بسیار اهمیت دارد. انشاء... امیدواریم با تلاش‌های پیگیر دیگر خواهرانی که در بخش‌های دیگر قضایی و اجرایی در این کشور فعالیت می‌کنند، همه دست به دست هم بدهیم برای زنان عزیز و شایسته ما امکانات را فراهم بکنیم، برای اینکه بتوانند قدرشان، توانشان، ذوقشان، هنرشان، استعدادشان را به نمایش بگذارند. هم در داخل کشور و هم در صحنه جهانی و بین‌المللی انشاء...

خداوند بر توفیقات همه ما بیفزاید. شاید فعالیت و تلاش بیشتر این وزارتخانه در سال آینده، مقصود از سال آینده از امروز به بعد است، چون سال شما بهر حال این هفته است.

تشکیل تعاونی بهر حال در ماه شهریور بوده، انشاء... تا شهریور ماه آینده که یک سال دیگر است شاهد شکوفایی بیشتر در این بخش باشیم. معصوماً برای اشتغال خواهرانمان که بتوانند در بخش‌های مختلف فعال باشند و واقعاً اثر کار و ثمره فعالیت و هنر و ذوق و تلاش و آفرینش خودشان را انشاء... خودشان مشاهده کنند و ما مشاهده کنیم و مردمی که علاقمند به کشور و انقلاب ما هستند انشاء... مشاهده کنند.

«والسلام علیکم ورحمة... و برکاته»

سخنان آقای مهندس

شافعی وزیر تعاون:

مقدم همه عزیزان به ویژه نمایندگان محترم مردم در مجلس شورای اسلامی و علی‌الخصوص حضرت حجة الاسلام والمسلمین جناب آقای دکتر روحانی را در جمع تعاونگران کشور و در بین تعاونیهای بانوان و بانوان عضو تعاونی گرامی می‌دارم.

شاید در بادی این امر این سوال پیش بیاید که دلیل ورود وزارت تعاون به امر اشتغال بانوان و تعاونیهای بانوان چیست؟ با مراجعه‌ای به قانون اساسی و همینطور به قانون تعاون ملاحظه می‌کنیم که در اصل بیست و هشتم از قانون اساسی، داشتن شغل آبرومند، شغلی متناسب با شئون اجتماعی و منطبق با تعالیم اسلامی، حق هر انسانی تلقی شده و از طرف دیگر در ماده اول قانون تعاون جزء اهداف وزارت تعاون پیش‌بینی شده است که وزارت تعاون برای عموم آحاد جامعه و برای تمام کسانی که قادر به کار هستند ولی ابزار کار ندارند بایستی که شغل ایجاد بکند. البته این هدف از آن اهداف بسیار والا و هدفی است

که ایده‌آل‌های نظام جمهوری اسلامی را برای ما و برای مردم ما معین می‌کند. ما به این دو دلیل قانونی، خود را موظف دانستیم که در امر ایجاد تعاونیهای بانوان وارد شویم و سال گذشته نیز سمیناری را تحت عنوان «زن، تعاون و اشتغال» در تبریز برگزار کردیم که با استقبال طیف وسیعی از طرف بانوان محترم مواجه شدیم یکی از ملاحظاتی که در مورد مشاغل بانوان عموماً و همینطور تعاونیهای بانوان و خانمها خصوصاً وجود دارد این است که بهر حال در حدود ۵۰٪ از جمعیت هر کشوری را بانوان آن کشور تشکیل می‌دهند و اگر قبول بکنیم که همین ۵۰٪، درصد عظیمی از تولید ناخالص داخل هر کشوری را می‌تواند رقم بزند نباید به امر اشتغال این قشر عظیم از هر کشوری بی‌تفاوت باشیم.

به موجب آمارهای جامعه شناختی موجود در حدود ۹/۴٪ کل اشتغال کشورمان را مشاغل بانوان تشکیل می‌دهد. متأسفانه باید عرض کنم که این عدد، عدد دقیقی نیست چرا که زنان در خانه‌ها مشاغل فوق‌العاده زیاد و متعددی را به عهده دارند که متأسفانه نه در آمارهای اشتغال لحاظ می‌شود و نه در تولید ناخالص داخل کشور به حساب می‌آید. این علاوه بر اینکه کتمان یک واقعیتی است و می‌بایستی که اصلاح بشود، در عین حال یک مشکل حیثیتی هم برای کشور ما هست. شما وقتی به کتابهای آمار دنیا مراجعه می‌کنید وقتی در مبحث مربوط به اشتغال و به جداول اشتغال کشورها برمی‌خورید بطور مثال می‌بینید که جمعیت انبوهی از آن کشور و درصد زیادی از جمعیت فعال آن کشور اعم از زنان و مردان مشغول به کار هستند و یا مثلاً یک کشوری را می‌بینید که یک درصد کثیر از مردم آن، جزء



بیکارها ذکر شده است. در مورد کشور ما وقتی پنجاه درصد از جمعیت کشور نقششان در اشتغال به لحاظ آمارهای رسمی ۹/۴٪ قید می‌شود، این در حقیقت یک افت حیثیتی برای کشور است در حالی که واقعیت هم چنین نیست و یا وقتی به عدد و رقم‌های مربوط به درآمد سرانه در همین حداقل آماری دنیا برمی‌خورید ملاحظه می‌کنید که مثلاً یک کشوری درآمد سرانه مردمش مثلاً ده هزار دلار و یا پانزده هزار دلار و بلکه بیشتر است و برعکس به یک کشوری برمی‌خورید که مثلاً زیر پانصد دلار درآمد سرانه دارد. در مورد کشور ما مطمئناً یکی از دلایل پایین نشان داده شدن درآمد سرانه و درآمد ناخالص داخلی و ملی، عدم محاسبه درآمدها و تولیداتی است که از طریق زنان در خانه‌ها و یا حتی در مزارع مربوط به مردان انجام می‌گیرد - گاهی مثلاً ممکن است که برای شما اتفاق افتاده باشد - غذایی را که در بیرون می‌خورید اگر، قیمت آن را تجزیه بکنید، ملاحظه می‌کنید که مواد اولیه تشکیل دهنده این غذا یک چیزی نزد یک به پنجاه درصد قیمت تمام شده آن کالا است و پنجاه درصد بقیه در حقیقت در خانه متعلق به آن بانو و کدبانویی است که این غذا را تهیه می‌کند و جایی هم به حساب نمی‌آید. خوب، این در تولید ناخالص خانوار یک طرف قضیه است، یعنی یک رابطه‌ای است بین مرد خانه و زن خانه و فرزندان خانه. یک طرف قضیه هم این است که با عدم محاسبه این تولید و خدمات، ما در حقیقت درآمد ملی کشور را پایین نشان می‌دهیم. حالا خودمان که می‌فهمیم داستان چیست ولی دیگرانی که نسبت به میزان اشتغال کشور و نسبت به درآمد ناخالص داخل کشور ما

فصاوت می‌کنند یک فصاوت نادرستی را از خودشان ابراز می‌کنند موجب خوشحالی است که عرض کنم این نسبت ۹/۴٪، در بخش تعاون، خوشبختانه اندکی متفاوت است. میزان اشتغال زنان نسبت به کل اشتغال بخش تعاون ۱۵/۵٪ است یعنی به عبارتی ۶/۱ درصد بیش از متوسط کشور است و اگر ۱۵/۵ درصد را با ۹/۴ درصد هم قیاس کنیم باید عرض کنم که بخش تعاون ۶۰٪ بیش از کل جامعه در ایجاد اشتغال نقش دارد و باید باز این نکته را اضافه نمایم که بخش عمده‌ای از اشتغال جامعه در آموزش و پرورش، در وزارت بهداشت و درمان و در وزارت فرهنگ و آموزش عالی است. البته طبیعت کار بانوان با این سه وزارتخانه سنخیت نزدیک دارد.

امر تعلیم و تربیت با روحیات خانمها بیشتر سازگاری دارد، اگر چه در آنجا هم نسبت زنان به مردان یک کمی کمتر است ولی بهر حال به نرم و استاندارد قابل قبول خیلی نزدیک است. در امور مربوط به بهداشت و پزشکی هم همینطور، خانمها در کشور به خصوص از حیث استخدام در بخش دولتی توانسته‌اند که نقش خودشان را ایفا بکنند. در زمینه کسب تحصیلات همینطور، در

دانشگاهها، همینطوری که اشاره شد در نظام جمهوری اسلامی، یک رشد و بالندگی ویژه‌ای در بین بانوان الان وجود دارد. در کسب مدالهای المپیادها، خوشبختانه شاهد هستیم که دختران گاهی بر پسران پیشی می‌گیرند. (حالا گاهی هم پسرها بر دخترها پیشی می‌گیرند) ولی اینکه در مسابقات بین‌المللی در رشته‌های متعدد دختران توانسته باشند در این میداين گوی سبقت را برآیند این حرکت مهمی است که اتفاق افتاده است در جامعه‌ای که مثلاً تا سی چهار سال پیش تحصیل کردن را برای زنان عیب و عار و ننگ می‌دانستند، در بعضی از شهرستانها و شاید شماها هم در این شهرستانها با این نوع تفکر منحط که متأسفانه به نام اسلام هم عرضه می‌شد بعضاً مواجه شده بودید و خوشبختانه به برکت ظهور انقلاب اسلامی، این تفکر و این نحوه جهانبینی تغییر پیدا کرده و امروز تقریباً پنجاه درصد دانش‌آموزان ما را دختران دانش‌آموز تشکیل می‌دهند. بهر حال، از دیگر نکاتی که در مورد اشتغال بانوان قابل ذکر می‌باشد این است که اشتغال بانوان مرادف و مصادف است با تهدید نسل و کنترل جمعیت. البته من اشتغال بانوان را فقط در خارج از خانه

نمی‌گویم، بلکه هم در داخل خانه و هم خارج از خانه محاسبه می‌کنم ولی این قسمتش که مربوط به خارج از خانه می‌شود تهدید نسل و کنترل جمعیت را راحت‌تر می‌کند. خانمهایی که بیرون مشغول هستند بطور طبیعی علاقمند به داشتن فرزند کمتر هستند که این خود امروزه یکی از مباحث مهم در فرآیند توسعه است، یعنی داشتن جمعیت کمتر و نرخ رشد پایین‌تر، برای اینکه کشورها مجال پرداختن به امر توسعه را داشته باشند، برای اینکه بتوانند نیازمندیهای اساسی جمعیت خودشان را تامین بکنند، آموزش را برای فرزندان آن جامعه تامین بکنند و زنان و مردان - پدران و مادران مجال پیدا بکنند که فرزندانشان را تربیت بکنند. بعلاوه در کشورهایی مثل کشور ما نیز از میزان وابستگی به خارج به وسیله کاهش رشد جمعیت ممکن است کم شود.

اشتغال خانمها در خارج از خانه به این موضوع مهم، به این هدف استراتژیک می‌تواند که کمک بکند. و از طرف دیگر اشتغال خانمها در خارج از خانه می‌تواند میزان درک بانوان از مشکلات همسرانشان را بالا ببرد. ای بسا بعضی از مشکلات خانوادگی به این دلیل اتفاق می‌افتد که خانم خانه وضعیت همسر خود را درست درک نمی‌کند چون هم دردی یا آن ندارد و وقتی که این امکان برایش فراهم می‌شود که در بیرون مشغول به کار باشد با مشکلات مربوط به اشتغال از نزدیک آشنا می‌شود و احتمالاً درک درست‌تر و صحیحتری را از مشکلات همسر خود خواهد داشت و این به استحکام خانواده کمک می‌کند.

حالا باید همه را با یکدیگر حساب بکنیم و برآیند این اشتغال‌ها را لحاظ بکنیم. بنده از

مجموعه این صحبتها نمی‌خواهم عرض کنم که بهترین شغل و اشتغال برای بانوان در بیرون از خانه است به احتمال زیاد برعکس این درست‌تر است، یعنی با توجه به اوضاع و احوال فرهنگی جوامع و با توجه به گرفتاریهای بانوان از حیث ایفای وظیفه مادری و خانه‌داری و اداره همسر و اداره خانه، به احتمال زیاد بهترین مشاغل، مشاغلی هستند که در حاشیه زندگی، خانمها از اوقات بیکاریشان استفاده بکنند و مشغول به کار و سازندگیهای بیشتری باشند، علاوه بر آن چه که تاکنون انجام می‌داده‌اند.

بطور قاطع می‌شود گفت که شاید در بیش از ۵۰٪ اوقات بانوان می‌توانند بهتر از این استفاده بشود، یعنی اگر حالا هشت ساعت کار مفید را برای همگان در نظر بگیریم می‌توانیم این ادعا را داشته باشیم که اقلأً چهار ساعت از وقت خانمها در خانه قابل سازمان دادن و قابل مدیریت است. در سنوات گذشته تعدادی تعاونیهای بانوان در سراسر کشور تشکیل شده که انواع آنها بسیار گسترده است از صنایع دستی گرفته تا صنایع نیمه ماشینی، صنایع غذایی و کارهایی مثل حسابداری، مثل تشکیل تعاونی برای خانمهایی که تحصیلات عالی پیدا کرده‌اند، مثل شیمیدانها و تعداد دیگری از رشته‌های مختلف که با مراجعه به وزارت تعاون، تعاونیهایی را برای خودشان تشکیل داده‌اند، حالا تعداد کثیری از اینها اشتغالشان در حاشیه زندگی‌شان است و در خانه است و نیاز به تمرکز در زیر یک سقف را ندارند و بنابراین میزان سرمایه برای این نوع اشتغالها پایین است. شما می‌دانید که اگر مثلاً بنا باشد که ما یک کارخانه‌ای را ایجاد بکنیم که کارگران و مدیران و مهندسين زیر یک سقف با همدیگر کار بکنند نیاز به سرمایه‌گذاری

جهت احداث ساختمان داریم، جهت احداث تاسیسات داریم و ماشین‌آلات، در حالی که وقتی از امکانات موجود در خانه‌ها استفاده کنیم مثلاً از فضای خالی خانه‌ها، و از انبارها یا اطاقهای خالی استفاده بشود، در حقیقت این فضا و تاسیسات موجود است، شوقاژ خانه‌ای بسا موجود است، نور کافی وجود دارد، فضای کافی وجود دارد و به راحتی می‌تواند خانم خانه بدون گرفتاریها و دغدغه‌هایی که در محیطهای بیرون برایش معمولاً وجود دارد در خانه مشغول کار بشود. تعداد زیادی از تعاونیها اشتغالیایی از این قبیل فراهم کرده‌اند، تعدادی هم شغلهایی را در بیرون خانه برای بانوان محترم ایجاد کرده‌اند که حالا در این کتابی که منتشر شده به بعضی از آنها اشاراتی شده است.

از نکات دیگر اینکه معمولاً خانمها با اشتغال خودشان به هویت ملی کمک می‌کنند، انجام کارهای هنری و صنایع مستظرفه آن و کارهای هنری و محصولات هنری هر کشوری جزء فرهنگ ملی و هویت ملی آن کشورند. از جمله محصولات هنری، محصولاتی است که به وسیله بانوان تهیه می‌شود و ارائه می‌شود و در این تعاونیهای بانوان ما انواع این کارها را شاهد هستیم که شاید بهترین تجلی آن در صنعت قالی و فرش بافی و گلیم‌بافی است، البته سایر هنرهای ظریفه را هم دربر می‌گیرد.

نوع مشاغلی که ما راغب هستیم و توصیه می‌کنیم که بانوان تعاونیهایی را در آن رشته‌ها تشکیل بدهند، در زمینه‌های تعلیم و تربیت است، مثلاً خانمهایی که می‌خواهند مدارس غیرانتفاعی ایجاد کنند و یا آموزشگاههایی برای تدریس به دختران و بانوان ایجاد بکنند، این امکان از طریق بخش تعاون وجود دارد و کمکهایی را هم می‌توانند از بخش تعاون

دریافت نمایند، همچنین کارهای بهداشتی و درمانی هنری و دستی و کارهای مربوط به ترجمه و صنایع الکترونیکی و کامپیوتری، یکی از انواع فعالیتهایی که خانمها می‌توانند در آن رشته وارد بشوند، صنایع مربوط به الکترونیک و کامپیوتر است. ای بسا حوصله خانمها بیشتر از مردان است و در کارهایی که نیاز به صبر و حوصله بیشتر باشد بانوان بهتر از آقایان از عهده آن برمی‌آیند.

بعضی از کشورهای بزرگ صنعتی و مشخصاً ژاپن نوع سازماندهی صنعتش را به این سمت برده، مثلاً: شرکت سونی و حتی خودروسازی‌ها مقداری زیادی از کارهایشان را سازماندهی کرده‌اند که مردم در خانه‌هایشان انجام می‌دهند منتهی با مدیریتی با کفایت. بهر حال کارهایی وجود دارد که مدیریت آنها تقسیم شده محصولات پس از گردآوری و به خط مونتاژ منتقل می‌شود. این کار بین خانواده‌های متعدد و مختلف در سراسر کشور (مثلاً این صنعت الکترونیک) این قابلیت را دارد و همینطور صنعت خودروسازی این قابلیت را دارد که در خانه‌ها نفوذ پیدا بکند و از اوقات بیکاری استفاده بشود. صنایع غذایی از جمله اشتغالها و نوع فعالیتهایی است که خوشبختانه در کشور ما سابقه و زمینه دیرینه دارد. عرقیات، تولید مرباها، تولید انواع و اقسام محصولات غذایی به گونه‌ای است که از قدیم در کشور ما رایج بوده، حالا اگر به شکل صنعتی تبدیل شود و به شکل استاندارد شده‌ای درآورده بشود، از طریق این تعاونیها این قابلیت برایشان وجود دارد.

خوشبختانه برای بانوان تحصیل کرده، تعاونیهای خوبی تشکیل شده است همین حسابدارها را و شیمیست‌ها را که عرض کردم، تحصیل کرده‌های علوم اجتماعی در بعضی از

استانهای کشور، تعاونیهای تشکیل داده‌اند و مشغول کارهای مطالعاتی و تحقیقاتی هستند که خود ما از نتیجه تحقیقاتشان استفاده می‌کنیم و برای سایر رشته‌هایی که کاربرد دارند تشکیل این نوع تعاونیها هم برای بانوان و هم برای آقایان مقدور و ممکن و میسر است و باعث می‌شود که جماعت تحصیل کرده و کسانی که کاری از آنها برمی‌آید، الا و لابد خودشان را یا اجیر دولت یا اجیر بخش خصوصی ندانند و راه سومی جلوی پایشان وجود داشته باشد که بتوانند در زمینه ایجاد شغل و تولید ملی مشارکت داشته باشند. جای خوشبختی است که عرض بکنم در سال گذشته از ۱۴۴ هزار عضوی که از طریق تبصره ۳ توانستند تسهیلات اعتباری دریافت بکنند، چهل و سه هزار نفر آنها را تقریباً بانوان تشکیل می‌داد یعنی حدود سی درصد اعضاء این تعاونیها در سال گذشته خانمهای محترمی بودند که خواستند حالا دوشادوش مردان یا مستقلاً با

همدیگر در مشاغلی مشارکت بکنند. این مشاغل هم اعم بوده از همین انواعی که اسم بردم و یا تعاونیهای کشاورزی و صنعتی مثلاً تولید میگو و هر نوع فعالیتی که با اوضاع و احوال جسمی بانوان سازگاری و تناسب دارد و از طریق تسهیلاتی که در سال گذشته از محل این تبصره داده شده، علاوه بر اشتغالهایی که برای آقایان ایجاد می‌شود، شش هزار و هفتصد و بیست و چهار مورد اشتغال جدید ایجاد شده است، یعنی علاوه بر آن یکصد و هفتاد هزار اشتغالی که قبلاً ایجاد شده بود، فرصت اشتغال فراهم شده است.

من برای اینکه از بیانات جناب آقای دکتر روحانی و سایر بزرگواران استفاده بکنیم، عرایضم را بهمین جا ختم می‌کنم و از شما خواهش می‌کنم که با ختم صلواتی به استقبال بقیه برنامه برویم.

«والسلام علیکم ورحمة... و برکاته»

سخنان خانم دبایغ نماینده مردم همدان در

مجلس شورای اسلامی:

حفظه... و همه شما عزیزان بالاخص وزیر بزرگوار تعاون و تریک به مناسبت سالگردی از سالهای برقراری تعاون در جامعه اسلامی‌مان.

قال... تعالی: «الرجال نصیب مماکتسبوالنساء نصیب مماکتسبن» برای زنان و مردان نصیب خواهد شد آنچه را که برایش زحمت می‌کشند، سرمایه‌گذاری می‌کنند، تکاپو می‌کنند و به دست می‌آورند.

خداوند متعال بر ما منت نهاده است در مقطعی از تاریخ خلقت و بشریت زندگی

با درود و سلام و صلوات به روح پرفتوح امام راحل‌مان آن معشوق تمامی قلبهای عاشق حق و حقیقت و همه آنانی که به او اقتداء کرده‌اند، چه آنهایی که جانهایشان را در طبق اخلاص گذاردند و برای خدا و حسین زمانشان ارزانی داشتند و چه آنانی که با دادن دست و پا و چشم و گوش امروز شهیدان شاهد و ناظری هستند براعمال و رفتار و گفتار و کردار ما.

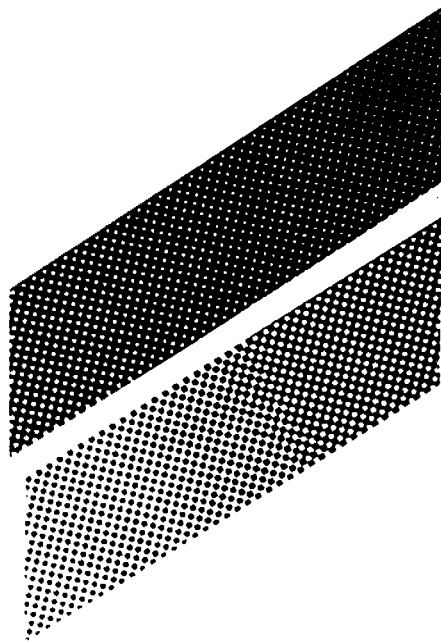
و با عرض سلام و تریک به محضر آقا امام زمان عجل... تعالی فرجه‌الشریف و ولی‌امر مسلمین حضرت آیت... خامنه‌ای

می‌کنیم که میراث زمین را به ما مستضعفان جهان واگذار کرده است تا الگو باشیم برای تکامل بشریت و نشان بدهیم که اسلام ناب در هر کجای دنیا بدست انسانهای تکامل یافته و با تکاپو اگر برقرار و پایه‌گذاری شود بهر چیزی می‌تواند دسترسی پیدا بکند و در هر کجا و در هر برنامه‌ای می‌تواند الگو قرار بگیرد، چه در رابطه با مسئله انقلاب، چه در رابطه با مسئله دفاع مقدس، چه در رابطه با مسئله جهاد، چه در رابطه با مسائل مختلف دیگر و چه با مسئله امروز که من و شما در رابطه با آن در این جلسه حضور داریم و با همدیگر سخن می‌گوییم یعنی مسئله تعاون، تعاون چیزی نیست که ما فکر کنیم اختراع ما است، ابتکار ما است، ابداع ما است، خیر، تعاون از زمان حکومت رسول اکرم (ص) برقرار شده است. ما در تاریخ حکومت رسول خدا وقتی، بررسی می‌کنیم می‌بینیم وقتی در مسجد مدینه خدمت پیغمبر اکرم حضور پیدا می‌کنند و عرضه می‌دارند یا رسول‌ا... ما هم می‌خواهیم در مسائل مختلفی که برای مسلمانان بوجود می‌آید چه جنگ، چه مسائل پشت جبهه و مسائل اقتصادی جامعه، سهیم باشیم، حضرت رسول صلوات... و سلامه علیه تعاونیهایی را برقرار می‌کنند، نه به عنوان اینکه سرمایه‌گذاری کنند زیرا پول آن روز مطرح نبود اما دستور می‌دهند زنان برای خودشان در رابطه با مسائل جمعه و جماعات و در رابطه با مسئله حمایت و یاری دادن به جنگ و جبهه تعاونی تشکیل بدهند، آن تعاونی که آن روز تشکیل می‌شود و زنان مسلمان در آن اجتماع می‌کنند و تقسیم‌بندی این خانمها را خانم ام‌سلمه و بعضی دیگر از زنان برجسته صدراسلام دارند، نشاندهنده این است که ما برای این کارهایمان الگو داریم و مهتر اینکه

زنانمان در هر برنامه‌ای و در همه مسائلی که در جامعه مطرح بوده همیشه نقش آفرینی داشته‌اند، بگذریم از اینکه بعد از جریاناتی که در جوامع اسلامی پیش آمده است (ما با دنیا و کشورهای شرقی و غربی کاری نداریم) ما از اسلام این توقع را داریم ما زنان مسلمان برایمان مهم است بدانیم که بعد از گذشت هزار و چهارصد سال از مبعوث شدن پیغمبر اکرم (ص) به رسالت و آن بهاء و ارزشی را که رسول گرامی برای زنها دادند و بوجود آوردند و قرآن بیان کرد و سنت رسول نشان داد، عملاً، چطور می‌شود که در لابه‌لای اوراق تاریخ می‌خواهد و خاک می‌گیرد و زنان جز آشپزخانه و امور منزل جای دیگری نمی‌شناسند و نمی‌فهمند این برای ما مهم است و این را هیچکس نمی‌تواند از لابه‌لای این اوراق تاریخ بیرون بکشد مگر خون شهدای ما، مگر علماء، مگر بزرگانی که آن روز آمده‌اند مردان را برده‌اند در طبقه پنجاهم از عالم خلقت و بشریت قرار دادند و به زنها گفته‌اند، تو فقط باید بخت و پز کنی، تو فقط باید بچه‌داری کنی، تو فقط باید خانه‌داری کنی! بلی یک مادر خوب، یک همسر خوب آن است که دستورات و سنت رسول را کاملاً پیاده بکند اما در کنار او اگر یک روز خواست یک عدد تابلو برای پدر و یا مادرش بخرد باید شش ساعت گردنش را کج بگذارد آن هم آقا آیا دلش بخواهد به او اجازه بدهد بخرد یا نخواهد به آن اجازه بدهد. اینها مسائلی است که در جامعه ما کاملاً برای همه محسوس است منتهی برادرانمان با یک زبان دیگری دارند می‌گویند من با یک زبان صریح دارم عرض می‌کنم. خوب در جامعه امروز با تصویب مجلس شورای اسلامی ما یک وزارت تعاون داریم که این وزارت تعاون باید بیاید برای

زنان تعاونیهایی را تشکیل بدهد که اینها از خود یک پشتوانه اقتصادی داشته باشند، برادرمان آقای روحانی بعضی از مسائل را مطرح کردند که احساس می‌کنم لزومی ندارد من به آنها اشاره بکنم، اما لازم است حقیقتاً به بعضی از نکات یک وقع بیشتری گذاشته شود، ما آن چه که در دنیا می‌گذرد برایمان مهم نیست، چرا مهم نیست برای اینکه هر چه داریم، نابش را داریم، اگر قرار است که احترام به زن باشد نابش را داریم اگر قرار است اختیاراتی زنها داشته باشند، نابش را داریم، اگر قرار است تفاوتی بین زنان و مردان باشد نابش را داریم، زیرا که ما با تفکر و اندیشه مارکسیسم و لنینیسم و یا کمونیسم و سرمایه‌داری نمی‌خواهیم زندگی کنیم ما با اندیشه ناب محمدی می‌خواهیم زندگی کنیم، عنایت کنید هر چیزی در جای خودش نیکو است، یک مادر خوب همان ارزش و بهایی را دارد که یک کارمند خوب دارد یک همسر خوب همان ارزش و بهایی را دارد که یک مری و معلم و یک هنرمند خوب دارد. هر چیزی در جای خودش درست است، ما هیچ اعتراضی به اینکه زنها باید یک مادر خوب باشند، یا همسر خوبی باشند نداریم، زیرا که آن یکی از ودیعه‌های فطری است که خداوند متعال از بدو خلقت بشریت در جامعه خلق کرده است اگر این نباشد زندگی امکان ندارد همینطور که شما می‌بینید او از یک عاطفه بالا و سرشاری برخوردار است و این دیگری از یک قدرت ایستادگی برتری بعنوان پدر، و این دو لازم و ملزوم هم هستند. نه آن عیب او است نه آن نقص این است و نه اگر این دو تا در کنار هم نباشند می‌شود گفت که یک زندگی کامل است. اما با همه این اوصاف این عنایت و این توجه را باید داشته

باشیم کار، شغل و درآمد برای خانمها، لازم است و حقیقتاً هم باید در جامعه ما انشاء... خانمها از مشاغلی که در خور موقعیتها و آن ساختار وجودیشان هست برخوردار باشند، ولی فراموش نکنیم که آنچه که اتفاق افتاده است در این هزار و چهار صد سال گذشته یعنی بعد از منبع و ماخذی که امام صادق (ع) احیاء کردند و روایات را تفسیر کردند و مسائل را تدوین نمودند و ساختار حرکتی زنان و مردان را به صورت روایت و به صورت روشی به شاگردانشان ارائه دادند، بعد از آن همه چیز را شما خفته می بینید، اگر هم خواستند گهگاهی به زنان بهاء بدهند به میدانشان بیاورند جز برای مسائل خاصی میدان داده نشده اند و استفاده نشده اند. لذا باید حواسمان را جمع کنیم خانمها باید خواستشان را جمع بکنند، ببینند یک سری به دادگاهایمان باید بزنیم. یک سری به خانه هایی که زنهای خانه دار بیسواد به دور از شناخت قانون و قوانین و مسائلی که برایشان هست و می تواند داشته باشند باید بزنیم. این چیزها را کنار هم جمع بکنیم بعد ببینیم واقعاً آن چیزی که برادر عزیز و بزرگوارمان آقای روحانی فرمودند که در رابطه با خانمها واقعاً می خواهیم پیاده شده؟ انشاء... هم پیاده خواهد شد، چیزی که امام به من و تو گفت یک نکته ای بسیار حساسی بود من دلم می خواهد برادرها و خواهرهایمان تامل کنند و بروند اینها را از لابلای فرمایشات امام بیرون بکشند، امام فرمودند برای یک زن چه شغلی بالاتر و ارزشمندتر از اینکه یک انسان در دامن خود دارد تربیت می کند، پرورش می دهد همانطور که مادر امام به انجام رسانید. خوب این یک شغل است به شرط اینکه به فرمایش برادر عزیز و بزرگوارمان آقای وزیر، مردانمان متوجه این قضیه باشند که



این غذایی که در خانه دارد می خورد این بچه ای را که همسرش دارد تربیت می کند این قرآنی را که دارد به بچه اش آموزش می دهد این همکاری که برای ارتقاء سطح سواد بچه اش دارد، این سرمایه گذاری را که از عمرش می کند، اگر بخواهد حقوق بگیرد دو سوم و شاید هم بیشتر و همه این حقوق آقا را هم به آن بدهند، باز هم تکاپوی زحمات وی را نمی دهد، منتهی حقیقتاً اساس قضیه نادیده گرفته شده، یعنی خانم خانه دار اگر این اختیارات را، اگر این اجازه را داشت و اگر این آقا می فهمید که ارزش کار او چقدر است بهای کار او چقدر است و او را به بازی می گرفت در این زندگی و بگونه ای او را سهم می دانست، بگونه ای او را شریک می دانست من یقین دارم، مشکلات امروز را که برادر عزیز و بزرگوارمان فرمودند بیکاری و کم شغلی یا نداشتن شغل، نداشتن کار باعث خیلی از بدبختی ها و فسادها می شود نداشتیم، یقین دارم که همه ما به این اعتقاد داریم.

لذا ببینید عزیزان تعاونی که دارند زحمت می کنند دارند سرمایه گذاری می کنند برای

اینکه من و تو به ارتقایی برسیم از نظر اقتصادی، این مسئله، مسئله اقتصادی تنها نیست به نظر من ما در جامعه زنهای بسیاری را داریم که حقیقتاً بار اقتصادی خانواده را بر دوش می کشند.

این تعاونیها یکی از حرکات بسیار زیبا و ارزشمند و پرقدری است که باید قدرش را بدانیم تا انشاء... با آن بهره خاصی را بتوانیم ببریم. از سرمایه گذاری و زحماتی که این برادرهای عزیز و بزرگوارمان می کنند بالاخص رییس جمهور محترم آقای هاشمی و وزیر محترم تعاون آقای شافعی، در این قضیه من می بینم که سر از پا نمی شناسند برای اینکه بتوانند این مشکل را در جامعه حل بکنند، برای این است که آنچه که از آن زمان مانده و خفته و یا دزدیده شده یا بسته و در بسته مانده و نگفته اند و ارائه نداده اند و نشناسانده اند که علاوه بر آن قضایا علاوه به آن مسائل اگر خانمها در رابطه با مسائل اقتصادی وارد شوند کاری که بتواند مشکلات اقتصادی شان را حل بکند و مشکلات فرهنگی را حل کند، اگر این انشاء... بتواند کامل بشود و از مزایای آن جامعه، بتواند بهره مند بشود و از نرخ بیکاری کاسته شود.

به نظر من یکی از موهبت هایی است که شامل حالمان شده و انشاء... رحمان باید در همه لحظه ها سپاسگزارش باشیم و از آن استفاده بکنیم و شکرگزار این نعمت باشیم و نکته دیگر بحشم این است که ما عنایت و توجه خاص خواهرانمان را باید جلب کنیم به اینکه در صدراسلام زنانی که در بیرون کار می کردند، زنانی که در مسائل جامعه آن روز سهم بودند از چه مسائل اخلاقی و چه مسائل خانوادگی برخوردار بودند اینها را لایه لای این مجلاتی که چاپ می شود این دستورالعملهایی

که داده می‌شود این مسائلی که گفته می‌شود انشاء... به عزیزانمان ارائه نمایم زیرا فراموش نکنیم که الگوهای مادر صدر اسلام با چه درایت و با چه عنایت و با چه اخلاق و خلق و خوی پسندیده و با تکیه بر شرع مقدس اسلام برای حل این معضلات به میدان می‌آمدند و موفق بودند و امروز باید آنها الگوی کار و الگوی زندگی و الگوی برخورداری از مسائل مختلف قرار بگیرند.

امیدوارم که انشاء... رحمان این وقتی را که از شماها گرفتم خداوند متعال بر ما خورده نگیرد و ذخیره قبر و قیامت‌مان قرار بدهد برای اینکه بتوانیم آنجا این ادعا را داشته باشیم که برای اصلاح خودمان و برای اصلاح بعضی از مسائل این چنین وقتی را صرف کردیم.

والسلام علیکم ورحمة... و برکاته

سخنان خانم فیاض بخش نماینده مردم تهران در مجلس شورای اسلامی:

والحمد... رب العالمین و صلی... علی سیدنا و نبینا محمد (ص) و علی اهل بیته الطیبین الطاهرین.

با سلام خدمت خواهران و برادران بزرگوار، خدا را شکر می‌کنیم که به نعمت جمهوری اسلامی توفیق یافتیم گردهم آییم و پیرامون یکی از مسائل مهم اقتصادی صحبت کنیم. خدا را شکر می‌کنیم که توفیق داد در نظام کریمه اسلامی زنان ما توانستند هویت و حقیقت خود را باز یابند به بهترین مشاغلی که ایفاء کننده مسئولیت اصلی آنها است ره یابند.

من صحبت امروز را به سه بخش عمده تقسیم می‌کنم، امیدوارم که انشاء... در این فرصت کوتاه بهترین بهره‌ها را ببریم.

ابتداء معنای تعاون را از دیدگاه روایات قرآن بطور مختصر عرض خواهم کرد، سپس از نظر قانون و حمایت‌های قانونی که از بخش تعاون شده و در پایان پیشنهاداتی دارم که امیدوارم با توجه به حضور مسئولین محترم وزارت تعاون و همچنین دیگر خواهران و برادران مسئول به امید خدا اجرا شود، تا ره‌گشایی باشد و تاثیر مختصری در روند بهتر تعاون داشته باشد.

از دیدگاه قرآن و روایات:

آیه معروفی که همه حفظید می‌فرماید «بسم... الرحمن الرحیم تعاونوا علی البر و التقوی و لاتعاونوا علی الاثم و العدون» تعاون، واژه زیبایی است که عمری کهن‌تر از عمر انسان دارد، از دید عقلی در فلسفه و در علوم عقلی چنین بحث می‌کنند که تعاون محور اصلی آفرینش است و پیش از خلقت آدم آفرینش معنای تعاون را در خودش یافته بود. ما در خلقت سایر موجودات معنای زیبای تعاون را می‌یابیم. قرآن کریم می‌فرماید: «ای انسانها برای اینکه بهتر به اهدافتان نائل شوید، بهتر پیشرفت کنید و به تکامل انسانی برسید، (تعاونوا) تعاون داشته باشید.» تعاون از ریشه عون در باب تفاعل به معنای به هم یاری کردن، با هم هماهنگ بودن و مساعدت همه جانبه و چند جانبه انسانها به منظور نیل به هدف بهتر است. در روایات نیز اشارات بسیاری به تعاون شده است. ما در روش زندگی پیامبر اکرم (ص) و ائمه اطهار این معنا را بسیار زیاد می‌بینیم، امام علی (ع) می‌فرماید: «طلب التعاون لاقامة الحق دیانة و امانة» «طلب

تعاون و طلب همیاری و هم‌گامی و با هم بودن، به منظور اقامه حق دیانت و امانت است» این روایت خیلی زیبا است، من وقتی که به معنای زیبای این روایت فکر می‌کردم، احساس می‌کردم وزارت تعاون می‌تواند بهترین نقش را در دیانه و امانتی که امام علی (ع) در این روایت فرموده‌اند ایفا کند. امام علی (ع) فرمودند: به خاطر اینکه حق را اقامه کنید (حق به چه معنی است؟ معنای لغوی حق یعنی گذاشتن و قرار دادن هر چیز در جایگاه اصلی خودش و هر انسانی آن کاری که بهترین جایگاه را هم از نظر تناسب جسمانی خودش و هم از نظر نیاز اجتماعی در آن کار و در آن مسئولیت قرار بگیرد، یکی از اسماء پروردگار حق است. «هوالحق» خداوند حق است. از جمله دلایلی که اسم پروردگار حق نامیده شده است ایسن است که مفسرین و لغویون می‌فرمایند: که پروردگار بهترین صفات و کمالات شایسته را در جایگاه حقیقی خودش داراست) بله امام علی (ع) می‌فرمایند: به خاطر اقامه حق «تعاونوا» تعاون داشته باشید و این بهترین راه و بهترین شیوه است که دیانت و امانت اجراء شود (البته معنای دیانت و امانت هم خیلی زیبا است) حتماً خواهرانی که از شهرستانها تشریف آورده‌اند و در روستاها و یا همین تهران در امور تعاونی مشارکت دارند بهتر معنای این رویت را درک می‌کنند، می‌فرمایند: وقتی که تعاون داشته باشید همیاری در امور اقتصادی داشته باشید دیانت و عبودیت پروردگار بهتر انجام می‌شود و اما امانت یعنی چه؟ امانت از ریشه امن است یعنی آرامش، اطمینان، خاطر و اطمینان روانی وقتی که می‌گوییم امانت من در دست شما است، واژه امانت یعنی من از آن کسی که امانت در دست او است احساس آرامش خیال و راحتی دارم.

می‌دانم خیانت در امانت من نمی‌کند. تعاون بهترین راهی است که آرامش خاطر و روان را در انسان ایجاد می‌کند. خدای رحمت کند کسانی که قانون اساسی ما را تدوین نمودند. شهید بهشتی و دیگر بزرگوارانی که امروز نیستند و بر طول عمر آنانی که امروز هستند بیافزاید، قانون اساسی را چقدر زیبا نگاهشته‌اند در اصل ۴۲ و ۴۴ قانون اساسی اشاره شده که اقتصاد ایران بر سه بخش استوار است: بخش خصوصی، بخش دولتی و از همه مهمتر بخش تعاونی. بخش خصوصی وجه مشابهی است با کشورهای سرمایه‌داری، خوب، در بخش دولتی نیز مشارکتهایی داریم ولی آنچه امتیاز جامعه اسلامی و آن چه امتیاز اقتصاد اسلامی است تاکید خاص آن به تعاون است. ما در مشی اقتصادی ائمه اطهار مخصوصاً حضرت علی (ع) و پیامبر اکرم (ص) به وضوح می‌بینیم این جای بحث دارد. از نظر فقهی، شهید بهشتی در حزب جمهوری اسلامی آن زمان بحث زیبایی را مطرح فرموده بودند. من اخیراً در مجله تعاون که بحث‌های خیلی خوبی را در آن دنبال می‌کنند (ایده‌ها... تعالی). این بحث را دیدم که ایشان از جهت فقهی مسئله تعاون و بحث‌های عمیق آن را در اقتصاد بررسی می‌کردند. بهر صورت یکی از امتیازات اقتصاد اسلامی توجه و تاکید به امر تعاون است ولی متأسفانه باید این نکته را عرض کنم، علیرغم اهتمام خاصی که در قانون اساسی و در قرآن و در روایات به بخش تعاون شده متأسفانه به آنچه می‌خواهیم و به آنچه که مطلوب ما است هنوز نرسیده‌ایم و هنوز راهش را نیافته‌ایم. حتماً هستند در این جمع خواهرانی که از روستاها تشریف آورده‌اند در میان آن تعداد از روستاهایی که من در آنها حضور داشته‌ام خواهران ما خیلی با معنای تعاون مانوس



نبودند. خواهرانی هنرمند با استعداد و با توانهای بالقوه بسیار ولی متأسفانه بیشتر مایل بودند در بخشی استخدام رسمی شوند و در بخش دولتی کار کنند. خواهران دیپلمه و تحصیل کرده‌ای بودند و همه می‌گفتند که ما از دولت جمهوری اسلامی توقع داریم که لااقل در یکی از این بخش‌های دولتی ما را به کلاس بگمارند. من به آنها گفتم شما با توجه به این همه هنرهایی که دارید، این همه فرسهای زیبایی که می‌بافید هنرهای دستی، کشاورزی شما و توان‌های بالقوه، چرا به فکر تعاون نیستید. به محض اینکه شما بخواهید وزارت تعاون همکاری می‌کند. ولی متأسفانه به نظر من یکی از مشکلات عمده‌ای که ما در جمهوری اسلامی داریم موضوع خواهرانی است که سرپرست از دست داده‌اند و خودشان سرپرست خانواده هستند و باید از آنها حمایت شود، من قانون وزارت تعاون را می‌دیدم، قانون خوبی است که در سال ۱۳۷۰ در مجلس شورای اسلامی تصویب شد، ولی احساس می‌کردم که جای اعتنای ویژه به بانوان در آن حالی است. چقدر خوب است که قوانین جاری تعاون، در واگذاری تسهیلات و اعطیارات، مساعدتهای اعتباری و فنی

مشاوره‌ای برای بانوان تاکید شود، از نظر حقوقی نیز با توجه به موقعیت فرهنگی برخی مناطق دور افتاده، خواهرانی که کمی دلهره دارند و احساس اضطراب می‌کنند نیاز به آموزش حقوقی دارند، خواهرانی که خیلی مایلند تا تعاونها استعدادها بالقوه آنها را به فعل برسانند. انشاء... وزارت تعاون با اعتناء خاصی که به این مسئله دارد از طریق آموزش و ترویج این اضطرابشان را برطرف نماید. امیدوارم که منبعد بیشتر به آن امعان نظر بفرمایید. ما بحددا... از نظر توانهای بالقوه و آنچه که می‌بایست داشته باشیم وضع بسیار خوبی داریم، در کشورهای دیگر وقتی که بررسی می‌کنیم، مثلاً چین، می‌بینیم که یکی از بیشترین تولیدات ناخالص داخلی آنها صنایع دستی بانوان است. وقتی که دقیقتر بررسی می‌کنیم، تحقیقاتی که در این زمینه بعمل آمده نشان می‌دهد که شیوه تعاونی در این کشور گسترش یافته و در واقع این شیوه تعاونی بوده که توانسته است استعدادهای بالقوه این بانوان پرتلاش و پرتکاپوی را به فعلیت برساند. در کشور ما هم بنابر آمارهای غیررسمی که وزارت کشاورزی داده چهل درصد نیروی کار ما در بخش کشاورزی را زنان تشکیل می‌دهند. در بخش صنایع دستی حدود هفتاد درصد توسط زنان اداره می‌شود بطوری که فرش ما مقام اول و یارته ممتاز را در بازارهای بین‌المللی دارد و در واقع این سرانگشت هنرمندانه آن زن قالی‌باف روستایی است که در بیغوله‌ها و در زیر زمین‌ها با حداقل امکانات و قناعت، این درخشش، افتخار و ارزش را برای کشورمان می‌آفریند. چقدر خوب است که با شیوه تعاونی و مشارکتهای تعاونی و گسترش شرکت‌های تعاونی، این استعدادها و این توان‌ها را ما به فعلیت برسانیم

نگاهی به:

نقش تعاونیهای مصرف در توزیع عادلانه کالا

امروزه تلقی هر شنونده از کلمه تعاون، مشارکت در امور خیر و عام المنفعه و همچنین خرید ارزان است و از بین انواع تعاونیها، تعاونیهای مصرف شناخته شدهترین و ملموسترین آنها در بین اقشار مختلف جامعه بخصوص کارمندان دولت و کارگران است. در حقیقت از طریق انواع تعاونیهای مصرف است که اعضاء امید دارند از پول و سرمایه خود که با عرق جبین و کدیمین به دست آمده است دفاع کنند و این سرمایهها بتواند به شکل مطلوب و مناسب مایحتاج آنها را اعم از مواد خوراکی، لوازم خانگی و پوشاک، برآورده کند.

تعاونیهای مصرف علاوه بر آنکه خود در تامین اقلام موردنیاز مردم با قیمتهای مناسب می توانند نقش مهمی ایفا کنند در تعدیل قیمتها و ایجاد رقابت کیفیتی و به طور نسبی کمی، در بازارهای سطح شهر نیز موثر خواهند بود، برای مثال عرضه گسترده مواد غذایی در پایان هر سال و در شرف سال نو و یا عرضه پوشاک و لوازم التحریر در آستانه بازگشایی مدارس توسط تعاونیهای مصرف به شکل جدی از بالا رفتن قیمتها در بازار جلوگیری کرده و می کند.

عرضه کالا به قیمت عادلانه

آمارها و ارقام حکایت از آن دارند که میانگین قیمت فروش کالاها در شرکتهای تعاونی مصرف به اعضاي آن نسبت به قیمتهای

کالاهای ارابه شده در تعاونیهای مصرف را جایگزین کنند. تمایل به این موضوع با افزایش حجم کالاهای تعاونی گسترش می یابد اما واقعیت آن است که این خواسته عمومی تنها از راه گسترش سرمایه های در گردش تعاونیهای مصرف به شکل مطلوبتری تحقق می یابد. سرمایه هایی که از راه جلب مشارکتهای مردمی تامین خواهند شد و تعاونیهای مصرف را رونق خواهد بخشید.

طی کمتر از دو دهه پدیده تعاونیهای مصرف در میان اقشار اجتماعی با مفهوم خرید عادلانه کالا همراه شده است. این مفهوم بیشتر از آن جهت در کانون توجه قرار گرفته که گرایش دسترسی به کالاهای ارزان، مقرون به صرفه و دارای نرخ عادلانه به امری اجتناب ناپذیر تبدیل گشته است. اکنون فاصله میان درآمد و هزینه، خانوارها را وامی دارد تا در سبد مصرف خویش بخشی از

آمارها و ارقام حکایت از آن دارند که میانگین قیمت فروش کالاها در شرکتهای تعاونی مصرف به اعضاي آن نسبت به قیمتهای بازار در تمامی اقلام حدوداً ۲۵ درصد کمتر بوده است. و مفهوم این مطلب آن است که مثلاً در ازای فروش یکصد هزار تومان کالا به کارمندان قدرت خرید آنان به میزان ۲۵ هزار تومان افزایش یافته است. بنابراین با در نظر گرفتن میانگین حقوق کارمندان دولت مشخص می گردد که این رقم در حقیقت زندگی مادی کارمندان را حدوداً یک ماه تامین می کند.

- امروزه تلقی هر شنونده از کلمه تعاون، مشارکت در امور خیر و عام‌المنفعه و همچنین خرید ارزان است و از بین انواع تعاونیها، تعاونیهای مصرف شناخته شده‌ترین آنها در بین اقشار مختلف جامعه بخصوص کارمندان دولت و کارگران است. در حقیقت از طریق انواع تعاونیهای مصرف است که اعضا، امید دارند از پول و سرمایه خود که با عرق جبین و کد میمن به دست آمده است استفاده کنند و این سرمایه‌ها بتواند به شکل مطلوب و مناسب مایحتاج آنها را اعم از مواد خوراکی، لوازم خانگی و پوشاک برآورده کند.



بازار در تمامی اقلام حدود ۲۵٪ کمتر بوده است مفهوم این مطلب آن است که مثلاً در ازای فروش یکصد هزار تومان کالا به کارمندان، قدرت خرید آنان به میزان ۲۵ هزار تومان افزایش یافته است، با در نظر گرفتن میانگین حقوق کارمندان دولت مشخص می‌گردد که این رقم در حقیقت زندگی مادی کارمندان را یک ماه به پیش می‌برد. همچنین در سال گذشته میانگین خرید کارمندان دولت در سطح شهرستان از شرکتهای تعاونی مصرف کارکنان دولت بیش از صد هزار تومان و در شهرستانها بیش از ۵۰ هزار تومان بوده که این خود نشان دهنده استقبال نسبتاً خوب مردم از فروشگاه‌های تعاونی مصرف است. البته این بدان معنا نیست که تعاونیهای مصرف در تامین نیاز کارکنان دولت به صورت جامع و کامل موفق بوده‌اند لیکن نشان دهنده آن است که شرکتهای تعاونی مصرف قادرند در صورتی که مشکلات اجرایی و محدودیتهای سرمایه‌ای خود را برطرف کنند بخوبی از عهده تامین نیازهای عمومی مردم برآیند.

سرمایه‌گذاری اعضا

شکل عرضه کالا در تعاونیها به صورت مشارکت تمامی اعضا در تامین سرمایه است لیکن مبالغ محدود و ناچیزی را که اعضا تعاونیهای مصرف در این شرکتهای به صورت خرید سهام شرکت پرداخته‌اند نمی‌توان نوعی سرمایه‌گذاری تلقی کرد.

محمد اسلامی نسب مدیرعامل اتحادیه سراسری تعاونیهای مصرف کارکنان دولت در این باره می‌گوید:

«میانگین مبلغی که کارکنان دولت در شرکتهای تعاونی مصرف سرمایه‌گذاری کرده‌اند ۳ هزار تومان بوده است که با توجه به اینکه مبالغ بیش از ۲۰۰ هزار ریال نیز وجود دارد، میزان مشارکت برخی از کارمندان از مبلغ میانگین نیز کمتر بوده است و به نظر می‌رسد که هیئت مدیره شرکتهای تعاونی مصرف می‌بایست اعضا خود را نسبت به لزوم خرید سهام بیشتر و اهمیت مشارکت در شرکتهای آگاه کنند. خصوصاً اینکه به هر میزان که سرمایه‌گذاری و خرید انجام گیرد سود حاصله به سهامداران برگشت داده می‌شود. شرکتهای تعاونی باید این مفهوم را روشن

نمایند که خرید اعضا از آن شرکتهای باعث خواهد شد تا توان آنها در ارائه محصولات بیشتر و باکیفیت بهتر بالا رود و همچنین داشتن کالای بهتر و با قیمت مناسب‌تر منوط به تامین اعتبار برای پیش خرید آن کالا است که این اعتبار جز با مشارکت اعضا تامین نمی‌شود»
زهره توکل عضو یک تعاونی معتقد است که برخورد سهامداران تعاونیهای مصرف با تعاونیها باید از روی میل باطنی و به دور از ترس و دلهره باشد. او می‌گوید با وجود آنکه قیمت‌های کالا و اجناس در تعاونیها همواره عادلانه‌تر از نرخ کالاها در بیرون از این مجموعه بوده و مردم نیز به این نکته واقفند که کالاهای موردنیاز خود را بهتر می‌توانند از طریق تعاونی تهیه کنند با این وجود در مورد سرمایه‌گذاری دست و دل بازی نمی‌کنند و

۱. **اعضا، تعاونیهای مصرف نیازهای خود را حتی المقدور از تعاونیهای خود تهیه کنند علاوه بر آنکه با خرید از تعاونی به فعالیت شدن آن کمک کرده‌اند. کالاهای ارزانه‌تری بدست می‌آورند و اضافه بر آن با خرید هر قلم کالا در حقیقت یک قلم کالا کمتر از بازار آزاد خریداری شده است که این خود موجب کاهش قیمت‌ها در بازار می‌شود.**

تعاونیهای مصرف به کارکنان دولت ارائه می‌دهند اطلاع چندانی ندارند»

ارائه کالا و خدمات متناسب با سرمایه اعضا،

در سالهای قبل میزان کالا و خدماتی که در اختیار تعاونی‌های مصرف از سوی اتحادیه سراسری تعاون مصرف کارکنان دولت قرار می‌گرفته و به تبع آن میزان کالا و خدماتی که این تعاونیها به اعضا خود ارائه می‌کرده‌اند با میزان سرمایه آنها تناسب نداشته است، بدین معنی که تمامی اعضا صرف نظر از میزان سرمایه خود بطور یکسان از کالاها و خدمات بهره‌مند می‌شده‌اند که این مسئله عاملی بوده است تا اعضا نسبت به افزایش سرمایه خود در نزد شرکتهای تعاونی رغبتی نشان ندهند.

به گفته مدیرعامل اتحادیه سراسری تعاونیهای مصرف، در این راستا از سال گذشته این اتحادیه در دادن سهمیه‌ها، میزان سرمایه‌ای را که شرکتهای تعاونی در نزد اتحادیه داشته‌اند، در نظر داشته و متناسب با آن، سهمیه‌ها توزیع شده است و البته شرکتهای تعاونی نیز باید به پیروی از این مسئله با اعضا خود عملکرد مشابه داشته باشند و کالاها و خدمات خود را به نسبت سرمایه‌های آنها توزیع کنند تا ضمن تشویق اعضا به مشارکت بیشتر در فعالیتهای تعاونیهای مصرف، عدالت نیز در توزیع اقلام مورد نیاز اعضا رعایت شده باشد. وی همچنین یکی از سیاستهای تشویقی را که اتحادیه در نظر گرفته است، ارائه تسهیلات و خدمات بیشتر و کالاهای ارزانه‌تر به آن دسته از اعضا که سرمایه خود را در تعاونی‌ها به ۲۰ هزار تومان افزایش داده‌اند ذکر می‌کند و می‌افزاید: البته همه اعضا از امتیازات کلی تعاونی برخوردار هستند اما این

به نظر می‌رسد آگاهی رساندن به اعضا تعاونیها نقش اصلی را در بالا بردن مشارکت ایشان در سرمایه‌گذاریها داشته باشد. اعضا تعاونیها باید آگاه شوند که صاحبان اصلی تعاونیها خود آنها هستند و در صورت نوپا و فعال شدن شرکتهای تعاونی بسیاری از مشکلات اقتصادی آنها برطرف می‌شود اسلامی نسب مدیرعامل اتحادیه سراسری تعاونیهای مصرف کارکنان دولت در مورد راههای افزایش سهام و مشارکت اعضا ضمن مهم شمردن مسئله آموزش و آگاهی رساندن به کارکنان دولت معتقد است: «کاردانی و لیاقت و ایثاری که مدیران شرکتهای تعاونی مصرف در خدمت‌رسانی به اعضا از خود نشان می‌دهند یکی از عوامل مهم افزایش مشارکت اعضا می‌باشد. هرچه اعتماد اعضا به صداقت و شایستگی و کاردانی مدیران شرکتهای تعاونی افزایش یابد، مشارکت کارکنان در تامین سرمایه و رونق بیشتر تعاونیها نیز افزایش خواهد یافت. بدیهی است در این راستا دو عامل آموزش و تخصص‌ابزاری است که مدیران تعاونیها با توجه به تسهیلات و شرایط فراهم شده توسط وزارت تعاون و ادارت تابعه در استانها می‌توانند از آن برای جلب اعتماد اعضا بهره‌مند شوند»

وی ادامه می‌دهد: «متأسفانه تا به حال مدیران تعاونیها تلاش لازم را در این زمینه نداشته‌اند و در برخی ادارات دولتی، حتی مسئولین این ادارات نیز از خدماتی که

توان تعاونی را با سهام بیشتر بالا نمی‌برند. یکی از کارشناسان نیز معتقد است از آنجا که حاکمیت سرمایه در تعاونیها مطرح نیست، اشخاص سرمایه بیشتر را به معنی خرید کالای افزونتر از تعاونی نمی‌دانند. اما واقعیت آن است که رقم سپرده‌های فردی فشار محسوسی را بر روی سهامداران نخواهد داشت ولی در مجموع به خاطر انبوه بودن تعداد اعضای تعاونیها، قدرت خرید تعاونیها و دسترسی آنان به کالاهای عمده‌تر را بالا می‌برد. این واقعیت در تعاونیهایی که دارای سرمایه‌های بیشتری هستند نسبت به تعاونیهای کم سرمایه قابل ملاحظه است، به نحوی که عملکرد تعاونیهای دارای سرمایه بالا همواره با رضایتمندی بیشتر سهامداران آن روبرو بوده است و میزان مراجعات سهامداران این نوع تعاونیها نیز به تعاونی خود بسیار بیشتر و قابل توجه‌تر به نظر می‌رسد.

برای مثال تعداد سهامداران تعاونی مصرف بانک ملی در سال ۷۴ نزدیک به ۳۲ هزار و پانصد نفر بوده که این انبوهی اعضا سود ویژه این تعاونی را در همان سال به رقمی بیش از ۸۸۰ میلیون ریال رسانده است که این موضوع مثلث فزونی اعضا و سرمایه تسهیل دسترسی به کالای بیشتر و بهتر و در نهایت رضایتمندی اعضا را شکل داده است.

نقش کاردانی مدیران تعاونیهای مصرف در افزایش مشارکت مردم

یک مسئله عاقلانه و عادلانه است که امتیازات بیشتری برای اعضای که بیشتر سرمایه‌گذاری کرده‌اند، در نظر گرفته شود.

گسترده‌ترین شبکه توزیع کالا در سراسر کشور

تعاونیها گسترده‌ترین و پرجمعیت‌ترین شبکه توزیع کالا در سراسر کشور هستند. تنها اتحادیه سراسری تعاونیهای مصرف کارکنان دولت با زیر پوشش قرار دادن ۱ میلیون و ۸۵۰ هزار خانوار و حجم سرمایه در گردش معادل ۲۳ میلیارد ریال تبدیل به بزرگترین شبکه توزیع کالا گشته است که در ارائه کالا به قیمت‌های مصوب نیز روند موفقیت‌آمیزی داشته است به گونه‌ای که تلقی هر شنونده از خرید تعاونی، خرید ارزانتر است.



اما مسئله‌ای که باعث شده تا فعالیت تعاونیها ناقص تلقی شود عدم تنوع و کثرت اقلام ارائه شده توسط این شرکتها است.

کارمندی که عضو تعاونی‌های مصرف است می‌گوید:

«مشکل تعاونیها این است که بخش کوچکی از نیازهای ما را برطرف می‌کنند و ما نمی‌توانیم در شرکت‌های تعاونی از هر کالایی سراغ بگیریم. البته من به عنوان یک عضو انتظار ندارم که تعاونی نیازهای خصوصی مرا نیز برآورده کند. اما در حد همان نیازهای عمومی نیز تنوع کالاها محدود می‌باشد. علاوه بر آن بعضی از اقلام مورد نیاز به مقدار محدودی در تعاونیها موجود است که دسترسی به آنها انتظار و شانس زیادی می‌خواهد.

در این مورد مدیر یکی از شرکت‌های تعاونی مصرف می‌گوید:

شرکت‌های تعاونی مصرف به اقتضای طبیعت خود عمدتاً به عملیات بازرگانی می‌پردازند و همانطور که روشن است ابزار کار در یک موسسه بازرگانی سرمایه آن موسسه است لیکن در حال حاضر شرکت‌های تعاونی مصرف به لحاظ برخورداری از سرمایه بیش از یک دهه از زمانه عقب هستند. زیرا میزان مشارکت و خرید سهام توسط اعضا همان مقداری است که ده سال پیش بوده است در حالی که افزایش قیمت‌ها و تورم در این مدت بسیار زیاد بوده است. این مسئله توان تعاونیها را در افزایش خدمات خود و همچنین بالا بردن سطح کیفی و کمی کالا و متنوع کردن آنها کاهش می‌دهد.

مبارزه با تورم و گرانیفروشی

پاکروان یکی از اعضای هیئت مدیره

تعاونی مصرف بانک ملی، تعاونی‌ها را یکی از عوامل مبارزه با تورم و گرانیفروشی می‌داند و می‌گوید:

«بعضی از اجناس را ما به قیمت خرید در اختیار اعضا می‌گذاریم، بخصوص مواد خوراکی که با قیمت خرید به آنها تعلق می‌گیرد.

همچنین کالاهای درجه یکی مانند یخچال، فرش ماشینی و ماشین لباس‌شویی به صورت اقساط در اختیار اعضای که بضاعت مالی‌شان ضعیف است و قصد ازدواج دارند قرار می‌گیرد.

خانمی که برای خرید از این تعاونی

مراجعه کرده است از اینکه توانسته بعضی از اقلام جهاز دختر خود را به صورت اقساط و با قیمت‌های مناسب تهیه کند بسیار خرسند است و آرزو می‌کند با گسترش فعالیت تعاونیهای

- تعاونیهای مصرف علاوه بر آنکه خود در تامین اقلام مورد نیاز مردم با قیمت‌های مناسب می‌توانند نقش مهمی ایفا کنند، در تعدیل قیمت‌ها و ایجاد رقابت کیفیتی و به طور نسبی کمی، در بازار مؤثر خواهند بود.

از ادامه آن ناراضی نیستند و خستگی خود را آشکار نمی‌سازند.

در بررسی حاضر می‌خواهیم بینم عواملی که کارمندان را خسته می‌کند، چیست و برای رفع این مشکل چه می‌توان کرد؟

نتایج یک بررسی

برای تحقیق پیرامون عواملی که به خستگی کارمندان در یک سازمان نسبتاً بزرگ منجر می‌شود، پرسشنامه‌ای شامل ۱۸ سوال ۴ گزینه‌ای طراحی و در میان ۲۴۰ کارمند (که ده درصد کل کارمندان سازمان بودند) توزیع شد. آنچه در جداول زیر می‌آید، تعدادی از نتایج این بررسی است. ضمناً، این بررسی در تابستان ۱۳۷۵ در شهر تهران انجام شده است.

جدول شماره یک نشان می‌دهد که هم سنگین بودن حجم کار و هم طولانی بودن ساعات فعالیت اداری در ایجاد خستگی کارمندان تاثیر دارد، زیرا:

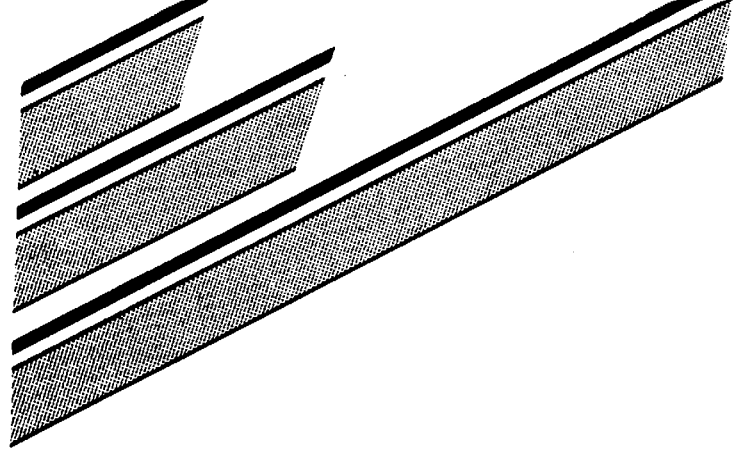
الف - درصد گزینه هیچ در هر دو گروه بسیار اندک است.

ب - پرسشنامه‌های بی‌جواب به هیچوجه قابل توجه نیست.

ج - اگر جمع درصد‌های خیلی زیاد و زیاد را حساب کنیم، از پنجاه تجاوز می‌کند.

ضمناً، براساس جدول یاد شده می‌توان گفت که سنگین بودن حجم کار بیش از ساعات موظف اداری به خستگی کارمندان منجر می‌شود.

در تفسیر جدول شماره ۲ می‌توان گفت که انتظارات غیرمنطقی ارباب رجوع آنقدرها برای کارمندان خستگی ایجاد نمی‌کند، زیرا بزرگترین عدد و درصد مربوط به این قضیه، گزینه «تا حدودی» است، حال آنکه گزینه‌های



عوامل خستگی در محیط کار چیست؟

از: دکتر غلامعلی سرمد

مقدمه

اکثر کارهایی که انسان انجام می‌دهد، خواه‌ناخواه در او نوعی خستگی ایجاد می‌کند. بنابراین، خستگی را می‌توان از دست دادن انرژی تعریف کرد و به همین دلیل، برای رفع خستگی ساده‌ترین روشی که پیشنهاد می‌شود، استراحت است.

از سوی دیگر، خستگی به دو مقوله جسمانی و فکری تقسیم می‌شود. در واقع، کارهایی که فقط جنبه بدنی دارد، یا سنگین‌ترین بار آن بر جسم انسان وارد می‌شود، بیشتر بدن انسان را خسته می‌کند. اما کارهایی که فقط جنبه فکری دارد، یا سنگین‌ترین بخش بار آن بر ذهن انسان وارد می‌شود، بیشتر فکر انسان را خسته می‌کند. برای مثال، اگر یک کارگر کشاورزی یا ساختمانی را در نظر بگیریم، چون کاری که انجام می‌دهد با دست و پا و کل بدنش ارتباط دارد، پس از مدتی دچار خستگی بدنی می‌شود. ولی یک طراح برنامه یا سیاستگذار یا سیاستمدار عمدتاً از قوای ذهنی خود استفاده می‌کند و طبعاً ذهن یا فکرش خسته می‌شود.

با این حال، تعداد زیادی از کارها به گونه‌ای است که همزمان جسم و ذهن انسان را خسته می‌کند. نمونه بارز این مثال، فعالیت کارمندان سازمانهای دولتی یا بخش خصوصی است. اگر یک کارمند حسابداری را در نظر بگیریم، در ضمن کار دستها، چشمها، در مواردی گوشها و تا حدودی کل بدنش را به یاری می‌گیرد، هر چند به طور همزمان فکر او نیز فعالیت دارد. به این دلیل، پس از مدتی از لحاظ بدنی و ذهنی احساس خستگی می‌کند.

نکته دیگری که اشاره به آن اهمیت دارد، نقش اراده و تمایلات انسان در کار است. لابد شما هم کودکانی را دیده‌اید که ساعت‌های متوالی بازی می‌کنند ولی خسته نمی‌شوند یا خستگی خود را اظهار نمی‌کنند. آیا واقعاً این قبیل کودکان خسته نمی‌شوند؟

پاسخ این سوال ساده است: کودکان هم مثل بزرگسالان انسانند و انسان تا حدود مشخصی انرژی دارد. اما دلیل اینکه خسته نمی‌شوند، یا خستگی خود را ابراز نمی‌کنند، آن است که کودکان بازی موردنظر را بسیار دوست دارند. بنابراین، علاقه آنان به بازی مانع احساس خستگی می‌شود. یا اراده کرده‌اند بازی در جریان را به پایان برسانند. از این رو،

جدول شماره ۱: ارتباط خستگی با سنگین بودن حجم کار و طولانی

بودن ساعات فعالیت

گزینه	سنگین بودن حجم کار		طولانی بودن ساعات کار	
	تعداد پاسخ	درصد	تعداد	درصد
خیلی زیاد	۱۱۰	۲۵/۸۳	۷۳	۳۰/۲۱
زیاد	۷۵	۳۱/۲۵	۲۸	۲۰
تا حدودی	۲۱	۱۷/۰۸	۹۲	۳۸/۳۳
هیچ	۱۲	۵	۲۳	۹/۵۸
بی جواب	۲	۰/۸۳	۴	۱/۶۶

جدول شماره ۲: ارتباط خستگی با انتظارات غیرمنطقی

ارباب رجوع و مدیران

گزینه	انتظارات ارباب رجوع		انتظارات مدیران	
	تعداد پاسخ	درصد	تعداد پاسخ	درصد
خیلی زیاد	۵۴	۲۲/۵۰	۱۱۴	۴۷/۵۰
زیاد	۲۲	۱۷/۵۰	۵۶	۲۳/۳۳
تا حدودی	۹۰	۳۷/۵۰	۶۲	۲۵/۸۳
هیچ	۵۱	۲۱/۲۵	۶	۲/۵۰
بی جواب	۳	۱/۲۵	۲	۰/۸۳

جدول شماره ۳: ارتباط خستگی با کار تکراری و ناهماهنگی وظایف

گزینه	تکراری بودن کارها		ناهماهنگی وظایف با تواناییهای کارمند	
	تعداد پاسخ	درصد	تعداد پاسخ	درصد
خیلی زیاد	۸۲	۳۲/۱۶	۲۲	۹/۱۶
زیاد	۵۱	۲۱/۲۵	۲۷	۱۱/۲۵
تا حدودی	۶۸	۲۸/۳۳	۸۱	۳۳/۲۵
هیچ	۱۴	۵/۸۳	۹۲	۳۸/۳۳
بی جواب	۲۵	۱۰/۲۱	۱۸	۷/۵

جدول شماره ۴: ارتباط خستگی با مسایل مالی کارمندان

گزینه	پایین بودن درآمد		لزوم داشتن کار دوم	
	تعداد پاسخ	درصد	تعداد پاسخ	درصد
خیلی زیاد	۱۹۸	۸۲/۵	۷۷	۳۲/۰۸
زیاد	۳۳	۱۳/۲۵	۶۳	۲۶/۲۵
تا حدودی	۹	۳/۲۵	۹۶	۴۰
هیچ	—	—	۲	۱/۶۶
بی جواب	—	—	—	—

«خیلی زیاد» و «هیچ» تقریباً به یک اندازه انتخاب شده است. با توجه به وضعیت کنونی جامعه ما، این نتیجه گیری تا حدود زیادی منطقی به نظر می رسد، زیرا تقریباً همه مراجعان سازمانها در نقش افراد «طلبکار» ظاهر می شوند و کارمندان به این وضعیت عادت کرده اند. به علاوه، اگر اصطلاح «ارباب رجوع» را به صورتی عمیق معنی کنیم، قاعدتاً نباید کارمندان از توقعات بسیار زیاد آنها ناراحت شوند.

برعکس، حدود نصف کارمندان از انتظارات غیرمنطقی مدیران خود «بسیار زیاد» خسته می شوند، که اگر این درصد را با حدود ۲۴ درصد گزینه «زیاد» جمع کنیم، به درصد ۷۰ می رسیم که طبعاً عدد بسیار بالایی است. به علاوه، در پاسخ این سؤال فقط ۲/۵ درصد گزینه «هیچ» را انتخاب کرده اند، در

صورتی که این درصد در ستون مربوط به ارباب رجوع ۲۱/۲۵ است. بنابراین، می توان گفت که هر چند کارمندان مورد مطالعه به طریقی به ارباب رجوع پرتوقع عادت کرده اند، اما انتظار ندارند مدیران از آنان انتظارات غیرمنطقی داشته باشند. احتمالاً لفظ «مدیر» در این قضیه تاثیر فراوان دارد، زیرا کارمندان از مدیران تصاویری در ذهن دارند که باید بر فهم، کاردانی، بصیرت، انصاف و انسانیت استوار باشد. به همین دلیل، زیاد بودن یا غیرمنطقی بودن انتظارات آنان را با این اوصاف هماهنگ نمی بینند و از تکرار آن خسته می شوند.

هر چند کار تکراری یا تکراری بودن کارها نیازی به توضیح ندارد و در بسیاری از مشاغل عادی است، اما جدول شماره ۳ نشان می دهد که این امر نیز به نوبه خود از عوامل

ایجاد خستگی در کارمندان است. در واقع، اگر جمع گزینه های اول و دوم را حساب کنیم، به درصد ۵۵/۴۱ می رسیم که یا از تنوع طلبی کارمندان و یا از عدم امکان ایجاد تنوع در انجام امور اداری حکایت می کند.

از سوی دیگر، ستونهای سوم و چهارم جدول شماره ۳ حاکی از آن است که در سازمان مورد مطالعه بین تواناییهای ذهنی و بدنی کارکنان و وظایفی که به آنها محول شده، هماهنگی نسبی وجود دارد، زیرا جمع گزینه های اول و دوم به حدود ۲۱ می رسد، حال آنکه گزینه «هیچ» به تنهایی ۳۸/۳۳ درصد را نشان می دهد.

تصویری که جدول شماره ۴ نشان می دهد با آنچه از وضعیت مالی کارمندان می شناسیم، هماهنگی کامل دارد، زیرا از استضعاف آنها حکایت می کند. در واقع، با آنکه سازمان مورد

جدول شماره ۵: ارتباط خستگی با مناسبات اداری همکاران

گزینه	توزیع		عدم رعایت احترام متقابل		وجود اختلاف سلیقه	
	تعداد پاسخ	درصد	تعداد پاسخ	درصد	تعداد پاسخ	درصد
خیلی زیاد	۵۲	۲۱/۶۶	۵۸	۲۴/۱۶		
زیاد	۵۷	۲۳/۷۵	۴۶	۱۹/۱۶		
تا حدودی	۸۶	۳۵/۸۳	۸۴	۳۵		
هیچ	۳۱	۱۲/۹۱	۴۴	۱۸/۳۳		
بی جواب	۱۴	۵/۸۳	۸	۳/۳۳		



مطالعه تا حدودی از حیث پرداخت دستمزد خوشنام است و با سه خوشبختی فاصله چندانی ندارد (۱)، باز هم اعداد و درصدهای جدول نشان می‌دهد که پایین بودن درآمد و الزام کارمندان برای داشتن کار دوم پس از پایان کار اداری از بزرگترین عوامل ایجاد خستگی برای آنان است.

جدول شماره ۵ حاکی از آن است که روابط اداری کارکنان سازمان مورد مطالعه با خستگی آنها در محیط کار آنقدرها ارتباط ندارد، زیرا بزرگترین درصدهای به دست آمده از گزینه‌ها، به گزینه «تا حدودی» مربوط می‌شود. بنابر این، می‌توان گفت که یا در محیط مورد بررسی بین کارکنان روابط دوستانه وجود دارد، یا نوعی محافظه کاری یا «ملاحظات» دیگر در انتخاب گزینه‌های این سوال دخالت داشته است.

چند پیشنهاد

با توجه به آنچه گذشت، و نیز با عنایت به سوالهایی که به دلیل طولانی شدن مقاله نتایج آن به صورت جدول ارائه نشده می‌توان پیشنهادهای زیر را به مدیران عرضه کرد:

۱- اگر چه کم یا زیاد کردن ساعات کار اداری از اختیارات مدیران نیست، اما در عوض می‌توانند حجم کاری را که به هر یک از زیردستان محول می‌کنند، در حدود توانایی جسمانی و ذهنی او برگزینند تا از این بابت مشکلی برای کارکنان ایجاد نشود. اطلاعات مندرج در جداول ۱ و ۳ موید این ادعاست.

۲- به طوری که جدول شماره ۲ حکایت می‌کند، انتظارات سنگین یا غیرمنطقی مدیران از جمله عواملی است که به خستگی زیردستان آنها منجر می‌شود. از آنجا که حداقل دو مطالعه دیگر که توسط نویسنده انجام شده

(۲)، این یافته را تایید می‌کند، پیشنهاد می‌شود اگر مدیران ما در ردیف افراد پرتوقع قرار دارند، نسبت به تعدیل این روحیه اقدام نمایند.

۳- مسایل مالی همواره برای کارمندان مشکل ساز بوده، ولی ظواهر امر نشان می‌دهد که طی سالهای اخیر به دلیل گرانی این مسایل حادث شده است. خوشبختانه مدیران برای کمک مالی به کارمندان راه‌های فراوان در اختیار دارند که اگر این راه‌ها را بشناسند و رعایت کنند، می‌توانند تا حدود زیادی در بهبود عملکرد کارکنان و سازمان خود موثر باشند. البته عده‌ای از کارمندان مشکل یاد شده

۴- نزدیک به ۴۸ درصد کارکنان مورد مطالعه نداشتن استقلال در انجام کار از جمله دلایل خستگی خود برشمرده‌اند. ضمن تاکید بر اینکه استقلال نسبی نیز در محیط کار گاه و بیگاه مساله‌ساز می‌شود و در عوض لازم است

مدیران بر کارها نظارت داشته باشند، اما می‌توان پیشنهاد کرد که حتی‌الامکان به زیردستان خود استقلال عمل بیشتری بدهند تا از این راه به تربیت کارمندان و مدیران شایسته کمک کرده باشند.

۵- تقسیم نابرابر کارها در بین کارکنان از دیگر عواملی است که به نظر کارکنان مورد مطالعه روحیه آنها را خسته می‌کند. در پاسخ این سوال نزدیک به ۵۵ درصد گزینه‌های «خیلی زیاد» و «زیاد» را انتخاب کرده‌اند، ضمن اینکه سوال یاد شده گزینه «هیچ» ندارد. به این ترتیب، توصیه می‌شود مدیران در تقسیم کار جوانب عدالت را مراعات نمایند.

تصادفاً، این موضوع را بارها با مدیران مختلف در میان گذاشته‌ام و تقریباً همیشه پاسخی شبیه این شنیده‌ام که «خوب همه توانایی لازم را ندارند. ناچار باید کار را به کاردان سپرده. ظاهراً پاسخ درست است و مخصوصاً چون سپردن کار به کاردان از وظایف علمی و اخلاقی مدیران محسوب می‌شود، ظاهراً موجه به نظر می‌رسد. ما توضیحی که به مدیران داده‌ام چنین است: «اگر به کسی کاری ارجاع نشود، چگونه کار کردن یاد می‌گیرد؟ روزی که معدود کاردانهای امروزی را از دست بدهید، از کجا کاردان پیدا خواهید کرد؟»

۶- و بالاخره به علاقه‌مندان پیشنهاد می‌شود در زمینه مورد بحث بررسیهای دیگری انجام دهند و نتایج را به آگاهی عموم برسانند.

یادداشتها

۱- اصطلاح «سه خوشبختی» در دهه ۱۳۵۰ به سازمان برنامه و بودجه، شرکت نفت و بانک مرکزی اطلاق می‌شد، زیرا مردم

تصور می‌کردند هر کس در این سازمانها کار کند، خوشبخت است.

۲- مشخصات این دو بررسی به شرح زیر است:

- ۱- فصلنامه مطالعات مدیریت، دانشگاه علامه طباطبایی، زمستان ۱۳۷۳
- ۲- مجموعه مقالات مدیریت و رفتار سازمانی، موسسه بین‌المللی روشهای آموزش بزرگسالان، ۱۳۷۲.

بقیه از صفحه ۳۲

۵- دیگر ارزشهای اخلاقی از رابطه‌های خاص تعاونی‌ها با جوامع خود متجلی می‌شوند، آغوش تعاونی‌ها برای اعضای جامعه خود باز است و برای یاری رساندن به انسانها خود را متعهد می‌دانند؛ تعاونی‌ها به عنوان نهادهای اشتراکی در جوامع بی‌شماری حاضر هستند؛ تعاونی‌ها میراث‌دار سنت‌های حفظ سلامت افراد جامعه خود می‌باشند. از اینرو تعاونیها در کلیه فعالیت‌ها از نظر اجتماعی خود را مسئول برای همگامی می‌دانند.

تعاونیها در چارچوب توان مالی خود، توان فوق‌العاده چشمگیری در زمینه تامین نیازهای افراد از خود نشان دادند، اغلب تعاونیها در زمینه تامین نیروی انسانی و منابع مالی برای جوامع خود مشارکت قابل توجه‌ای دارند. تعداد بی‌شماری از آنها برای رشد و گسترش تعاونی‌ها در دنیای در حال توسعه مساعدت جدی نمودند. این سنت بازتاب ارزشی است که تعاونگران می‌بایست به آن بالیده و مصر باشند.

۶- بساری، صداقت، آزاداندیشی، مسئولیت‌پذیری اجتماعی و احترام به رای و نظر دیگران ارزشهای هستند که در سازمانها و موسسه‌های گوناگون وجود دارد اما در کل

جزء لاینفک و غیرقابل انکار در امر داد و ستد در تعاونی‌ها است.

- 1- One man one vote
- 2- Attitudinal
- 3- Values in a changing world
- 4- Co-oprative principles: todays and tomorrow.
- 5- Intervening years

سالهای که پیشگامان نهفت تعاونی در صدد دستیابی و پیگیری اهداف اقتصادی معین و نائیرگذاری در سیاست اقتصادی بودند.

بقیه از صفحه ۷

مذکور بطور متوسط دو میلیون تومان بوده است و در میان این طرحها، ۲۷ مورد طرحهای زراعی هستند که برای راه‌اندازی آنها بیش از ۱۳۰۰ هکتار زمین توسط اداره کسل منابع طبیعی استان در شهرستانهای اردبیل، پارس آباد، بيله‌سوار، نمین، گرمی واگذار شده است و مابقی طرحها نیز در زمینه‌های صنعتی، معدنی، فرش دستیاف و در یک مورد مدرسه غیرانتفاعی می‌باشد و قابل ذکر است که همزمان با بهره‌برداری از طرحهای یاد شده، سی و هشت واحد مسکونی از دوست و نود پلاک احداثی تعاونی مسکن فرهنگیان مشکین شهر به جمعی از عزیزان فرهنگی واگذار شده است.

شایان ذکر است که در مراسم مذکور به پاس خدمات آقای بناب معاون امور تعاونیهای وزارت تعاون در زمینه توسعه روزافزون تعاونیها، از سوی ریاست محترم جمهوری نشان خدمات دولتی اعطاء گردید.

همچنین پس از مراسم مذکور آقای مهندس شافعی، از شرکتهای تعاونی ۴۶۶ الکترونیک آذین و تعاونی ۴۶۳ نشاسته بازدید کردند و ساختمان اداره کل تعاون را که با زیربنای ۱۵۳۴ مترمربع و در ۴ طبقه احداث شده است افتتاح نمودند.